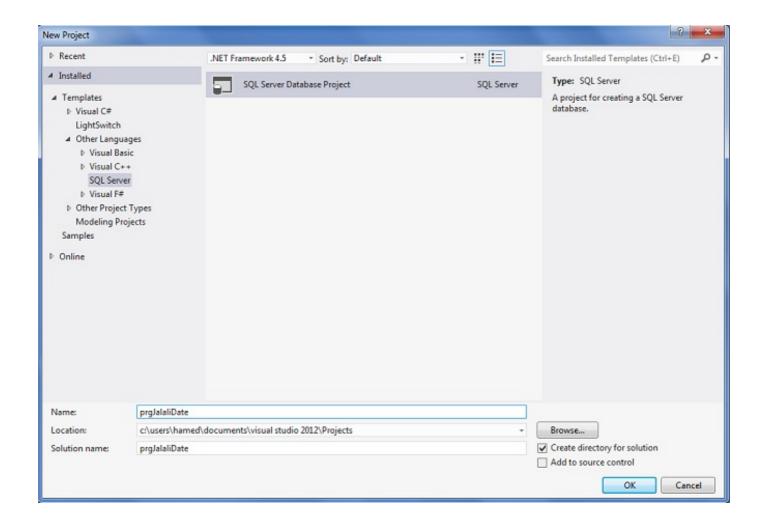
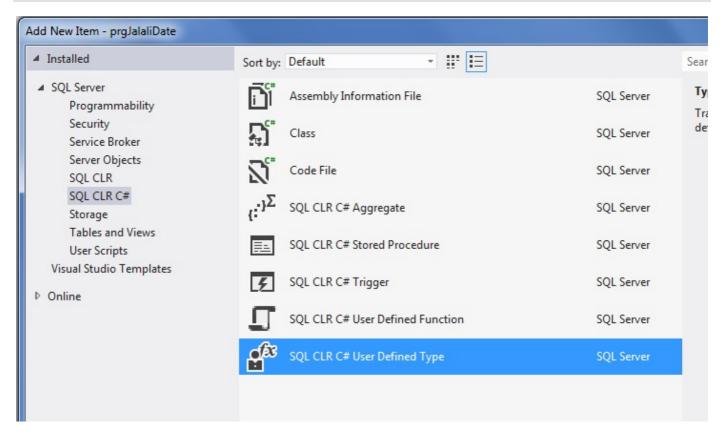
عنوان: ا**فزودن یک DataType جدید برای نگهداری تاریخ خورشیدی - 1** نویسنده: حامد قنادی تاریخ: ۲۳:۳۰ ۱۳۹۲/۰۲/۰۹ تاریخ: <u>www.dotnettips.info</u> گروهها: SQL Server, SQL Server 2012, C#.NET, Persian, CLR

ثبت و نگهداری تاریخ خورشیدی در SQL Server از دیرباز یکی از نگرانیهای برنامهنویسان و طراحان پایگاه دادهها بوده است. در این نوشتار، راهکار تعریف یک DataType در SQL Server 2012 به روش CLR آموزش داده خواهد شد.

در ویژوال استودیو یک پروژهی جدید از نوع SQL Server Database Project به شکل زیر ایجاد کنید:



نام پروژه را به یاد تقویم خیام، prgJalaliDate میگذارم. در Solution Explorer روی نام پروژه راستکلیک کرده، سپس روی Add New Item کلیک کنید. در پنجرهی بازشده مطابق شکل SQL CLR C# User Defined Type را برگزینید؛ سپس نام JalaliDateType را برای آن انتخاب کنید.



متن موجود در صفحهی بازشده را کاملاً حذف کرده و با کد زیر جای گزین کنید.

(در کد زیر همهی توابع لازم برای مقداردهی به سال، ماه، روز، ساعت، دقیقه و ثانیه و البته گرفتن مقدار از آنها، تبدیل تاریخ خورشیدی به میلادی، گرفتن تاریخ به تنهایی، گرفتن زمان به تنهایی، افزایش یا کاهش زمان برپایهی یکی از متغیرهای زمان و بررسی و اعتبارسنجی انواع بخشهای زمان گنجانده شده است. در صورت پرسش یا پیشنهاد روی هر کدام در قسمت نظرات، پیام خود را بنویسید.)

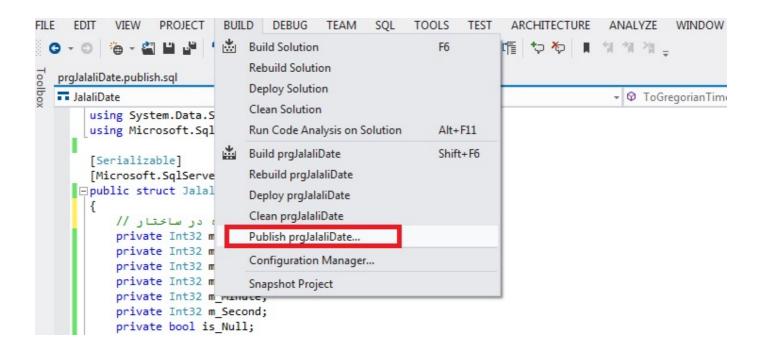
```
using System;
using System.Data.SqlTypes;
using Microsoft.SqlServer.Server;
[Serializable()]
[SqlUserDefinedType(Format.Native)]
public struct JalaliDate : INullable
    private Int16 m_Year;
    private byte m_Month;
    private byte m_Day;
    private byte m_Hour;
    private byte m_Minute;
    private byte m_Second;
    private bool is_Null;
    public Int16 Year
        get
{
             return (this.m_Year);
        set
        {
             m_Year = value;
    public byte Month
        get
             return (this.m_Month);
```

```
}
set
    {
        m_Month = value;
public byte Day
{
    get
{
        return (this.m_Day);
    set
        m_Day = value;
public byte Hour
    get
        return (this.m_Hour);
    set
        m_Hour = value;
public byte Minute
    get
        return (this.m_Minute);
    set
        m_Minute = value;
public byte Second
    get
        return (this.m_Second);
    set
        m_Second = value;
}
public bool IsNull
    get
{
        return is_Null;
public static JalaliDate Null
    get
{
        JalaliDate jl = new JalaliDate();
jl.is_Null = true;
        return (j1);
    }
}
public override string ToString()
    if (this.IsNull)
    {
        return "NULL";
    élse
```

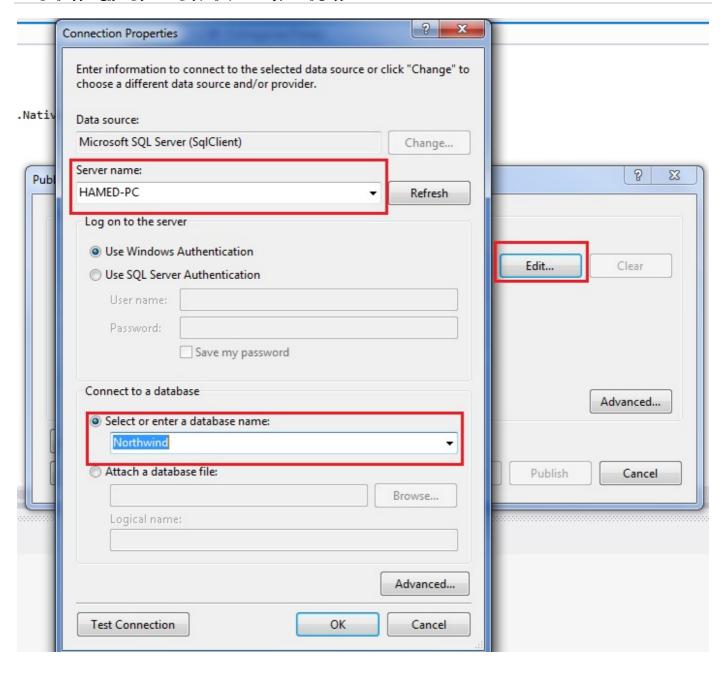
```
return this.m_Year.ToString("D4") + "/" + this.m_Month.ToString("D2") + "/" + this.m_Day.ToString("D2") + " " + this.Hour.ToString("D2") + ":" + this.Minute.ToString("D2") + ":" + this.Second.ToString("D2");
        {
    public static JalaliDate Parse(SqlString s)
        if (s.IsNull)
        {
             return Null;
        System.Globalization.relocation
string str = Convert.ToString(s);
string str = Str.Split(' ')[0].Split('/');
        System.Globalization.PersianCalendar pers = new System.Globalization.PersianCalendar();
        JalaliDate jl = new JalaliDate();
         jl.Year = Convert.ToInt16(JDate[0]);
        byte MonthsInYear = (byte)pers.GetMonthsInYear(jl.Year);
jl.Month = (byte.Parse(JDate[1]) <= MonthsInYear ? (byte.Parse(JDate[1]) > 0 ?
byte.Parse(JDate[1]) : (byte)1) : MonthsInYear);
        byte DaysInMonth = (byte)pers.GetDaysInMonth(jl.Year, jl.Month);;
jl.Day = (byte.Parse(JDate[2]) <= DaysInMonth ? (byte.Parse(JDate[2]) > 0 ?
byte.Parse(JDate[2]) : (byte)1) : DaysInMonth);
    if (str.Split(' ').Length > 1)
(byte.Parse(JTime[1]) < 59 && byte.Parse(JTime[1]) >=
(byte)0 ? byte.Parse(JTime[2]) : (byte)0) : (byte)0);
        else { jl.Hour = 0; jl.Minute = 0; jl.Second = 0; }
        return (jl);
    }
    public SqlString GetDate()
        return this.m Year.ToString("D4") + "/" + this.m Month.ToString("D2") + "/" +
this.m_Day.ToString("D2");
    public SqlString GetTime()
        return this.Hour.ToString("D2") + ":" + this.Minute.ToString("D2") + ":" +
this.Second.ToString("D2");
    public SqlDateTime ToGregorianTime()
        System.Globalization.PersianCalendar pers = new System.Globalization.PersianCalendar();
        return SqlDateTime.Parse(pers.ToDateTime(this.Year, this.Month, this.Day, this.Hour,
this.Minute, this.Second, 0).ToString());
    public SqlString JalaliDateAdd(SqlString interval, int increment)
         System.Globalization.PersianCalendar pers = new System.Globalization.PersianCalendar();
        DateTime dt = pers.ToDateTime(this.Year, this.Month, this.Day, this.Hour, this.Minute,
this.Second, 0);
        string CInterval = interval.ToString();
        bool isConvert = true;
        switch (CInterval)
             case "Year":
                 dt = pers.AddYears(dt, increment);
                 break;
             case "Month":
                 dt = pers.AddMonths(dt, increment);
             break;
case "Day":
                 dt = pers.AddDays(dt, increment);
                 break;
             case "Hour":
```

```
dt = pers.AddHours(dt, increment);
                     break;
                case "Minute":
                     dt = pers.AddMinutes(dt, increment);
               break;
case "Second":
                     dt = pers.AddSeconds(dt, increment);
                     break;
                default:
                     isConvert = false;
                     break;
          }
          if (isConvert == true)
                this.Year = (Int16)pers.GetYear(dt);
               this.Month = (byte)pers.GetMonth(dt);
                this.Day = (byte)pers.GetDayOfMonth(dt);
               this.Hour = (byte)pers.GetHour(dt);
               this.Minute = (byte)pers.GetMinute(dt);
this.Second = (byte)pers.GetSecond(dt);
          }
          return this.m_Year.ToString("D4") + "/" + this.m_Month.ToString("D2") + "/" +
Oay.ToString("D2") + " " + this.Hour.ToString("D2") + ":" + this.Minute.ToString("D2") + ":" +
this.m_Day.ToString("D2") + '
this.Second.ToString("D2");
     }
```

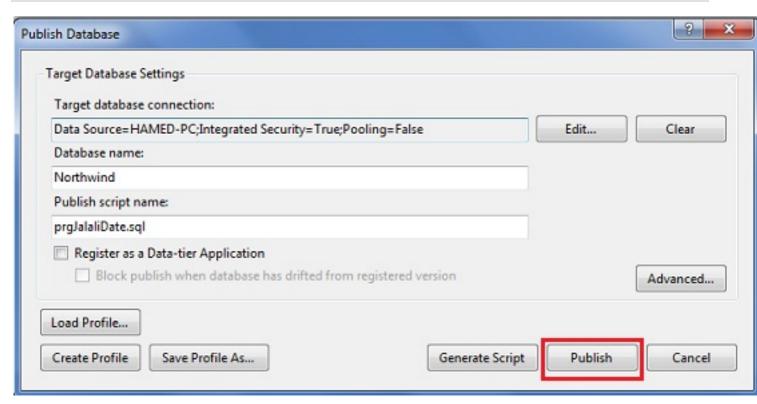
از منوهای بالا روی منوی Bulild و سیس گزینهی Publish prgJalaliDate کلیک کتید:



در ینجرهی بازشده روی دکمهی Edit کلیک کنید سپس تنظیمات مربوط به اتصال به پایگاه داده را انجام دهید.



روی دکمهی OK کلیک کنید و سپس در پنجرهی اولیه، روی دکمهی Publish کلیک کتید:



به همین سادگی، DataType مربوطه در SQL Server 2012 ساخته میشود. خبر خوش اینکه شما میتوانید با راستکلیک روی نام پروژه و انتخاب گزینهی Properties در قسمت Project Setting تنظیمات مربوط به نگارش SQL Server را انجام دهید. (از نگارش 2005 به بعد در 2012 VS پشتیبانی میشود.)

اکنون زمان آن رسیده است که DataType ایجادشده را در SQL Server 2012 بیازماییم. SQL Server را باز کنید و دستور زیر را در آن اجرا کتید.

```
USE Northwind

GO

CREATE TABLE dbo.TestTable
(
Id int NOT NULL IDENTITY (1, 1),
TestDate dbo.JalaliDate NULL
) ON [PRIMARY]
GO
```

همینطور که مشاهده میکنید؛ امکان بهکارگیری DataType تعریفشده وجود دارد. اکنون چند رکورد درون این جدول درج میکنیم:

Insert into TestTable (TestDate) Values ('1392/02/09'),('1392/02/09 22:40'),('1392/12/30 22:40')

یس از اجرای این دستور خطای زیر در پایین صفحهی SQL Server نمایان میشود:

```
Messages

Msg 6263, Level 16, State 1, Line 1

Execution of user code in the .NET Framework is disabled. Enable "clr enabled" configuration option.
```

اين خطا به اين خاطر است كه CLR را در SQL Server فعال نكرده ايم. جهت فعال كردن CLR دستور زير را اجرا كنيد:

sp_configure 'clr enabled', 1
Reconfigure

بار دیگر دستور درج را اجرا میکنیم:

Insert into TestTable (TestDate) Values ('1392/02/09'),('1392/02/09 22:40'),('1392/12/30 22:40')

	Id	TestDate	
•	1	1392/02/09 00:00:00	
	2	1392/02/09 22:40:00	
	3	1392/12/29 22:40:00	
*	NULL	NULL	

ملاحظه میکنید که دادهها در جدول مربوطه ذخیره شده است. در رکورد نخست چون ساعت، دقیقه و ثانیه تعریف نشده است؛ به طور هوشمند صفر ثبت شده است. و در رکورد سوم چون سال 1392 کبیسه نیست؛ به صورت هوشمند آخرین روز ماه به جای روز ثبت شده است. هرچند میتوان با دستکاری در توابع سیشارپ، این قوانین را عوض کرد.

اکنون زمان آن رسیده است که توسط یک پرسوجو، همهی توابعی که در سیشارپ برای این نوع داده نوشتیم، بیازماییم. پرسوجوی زیر را اجرا کنید:

خروجی این پرسوجو به شکل زیر خواهد بود:

	Jalali Date Time	Jalali Date	Jalali Time	Gregorian Time	JalaliTomorrow	JalaliMonth
1	1392/02/09 00:00:00	1392/02/09	00:00:00	2013-04-29 00:00:00.000	1392/02/10 00:00:00	2
2	1392/02/09 22:40:00	1392/02/09	22:40:00	2013-04-29 22:40:00.000	1392/02/10 22:40:00	2
3	1392/12/29 22:40:00	1392/12/29	22:40:00	2014-03-20 22:40:00.000	1393/01/01 22:40:00	12

البته دربارهی ستون پنجم و ششم شما میتوانید روی همهی اجزای تاریخ افزایش و کاهش داشته باشید و همچنین میتوانید با تابع مربوطه هر کدام از اجزای زمان را جداگانه به دست بیاورید که در این مثال عدد ماه نشان داده شده است.

نیازی به گفتن نیست که میتوانید به سادگی از توابع مربوط به DateTime در SQL Server بهره ببرید. برای مثال برای به دست

آوردن فاصلهی میان دو روز از پرسوجوی زیر استفاده کنید:

```
Declare @a JalaliDate = '1392/02/07 00:00:00'
Declare @b JalaliDate = '1392/02/05 00:00:00'
```

SELECT DATEDIFF("DAY",@b.ToGregorianTime(),@a.ToGregorianTime()) AS DiffDate

شاد و پیروز باشید.

نظرات خوانندگان

نویسنده: ali

تاریخ: ۲/۱۰ ۵:۰۵ ۱۳۹۲/۰۲/۱۰

Nice article

Thanks

نویسنده: سام ناصری

تاریخ: ۲:۲۲ ۱۳۹۲/۰۲/۱۰

بسیار خوب.

فقط من تو مقاله شما دلیلی برای اینکه چرا زمان و تاریخ را میخواهی به این صورت ذخیره کنی متوجه نشدم؟ چرا به همان شکل استانداردش ذخیره نکنیم؟

دیگر اینکه نوع داده جدید به چه شکل در دیتابیس ذخیره میشود. Sql Server از کجا میداند که باید چگونه لیترالها را پارس کند(چگونه متود Parse برگزیده میشود)؟ عملگرهای مقایسه چگونه کار خواهند کرد؟

نویسنده: حامد قنادی

تاریخ: ۲/۱۰ ۱۳۹۲/ ۷:۸

با درود

به پرسشهای شما در بخش دوم پاسخ خواهم داد.

نویسنده: قاسم

تاریخ: ۱۳۹۲/۰۲/۱۰

سلام، میشه مراحل انجام کار توی ۷۶2010 هم بنویسید، فقط مراحل کار. خیلی ممنون میشم

نویسنده: فرشید علی اکبری تاریخ: ۰۲/۱۵ ۱۳۹۲/ ۹:۵۵

سلام

کدهای شمارو درست همونطوریکه گفتین کپی کردم ولی موقعی که Publish رو میزنم پیغام زیر رو میده :

Publish cannot begin until your project(s) build successfully

و ینجره publish ظاهر نمیشه و هیچ جایی هم برای تعریف کانکشن وجود نداره... مشکل از کجاست؟

دوم اینکه c1r رو هربار که خواستیم روی یک دیتابیس جدید این نوع رو تعریف کنیم باید فعال کنیم... مثلا توی ایجاد سال مالی جدید که سیستم یک دیتابیس خام ایجاد میکنه تا مانده حسابها رو بهش انتقال بدیم قبلش باید دستور فعال سازی c1r رو هم مجددا بدیم یافقط توی زمان طراحی کفایت میکنه ؟

سوم اینکه : در مورد استفاده اون توی EF Code First هم اگه نکتهی خاصی وجود داره محبت کنین ممنون میشم. شاد وییروز باشید.

نویسنده: حامد قنادی

تاریخ: ۲/۱۰ ۱۱:۴ ۱۳۹۲/۰۲/۱۰

با درود

New Project -> Database -> SQL Server -> Visual C# SQL CLR Database Project

- تنظیمات اتصال به پایگاه داده ها
 - انتخاب دکمه Yes

- Add New Item -> User Defined Type -
 - کیی کدها
- استفاده از Deploy در منوی Build یا استفاده از روشی که در بخش دوم نوشتار آموزش داده خواهد شد.

نویسنده: حامد قنادی

تاریخ: ۲/۱۰ ۱۱:۲۶ ۱۳۹۲/۰۲/۱

با درود

- -1 لطفاً پروژه را پیش از Publish یک بار Rebuild کنید. احتمالاً به خاطر یک ارور خاص Publish نمیشود. اگر به راحتی Rebuild شده ولی باز هم Publish کار نمیکند؛ میتوانیم با روش دیگری که در بخش دوم آموزش میدهم DLL را به SQL معرفی کنیم.
 - -2 كافي است يك بار پس ساخت Database اين پرسوجو را اجرا كنيد.
 - -3 تست نکردم ولی به نظر میرسد این نوع داده از سمت EF شبیه به Hierarchy باشد.

نویسنده: ش.د

تاریخ: ۲/۱۰ ۱۴:۳۵ ۱۴:۳۵

آیا فقط در sq12012 قابل اجرا میباشد؟

نویسنده: محسن خان

تاریخ: ۱۴:۵۴ ۱۳۹۲/۰۲/۱۰

در متن نوشتن از نگارش 2005 به بعد اس کیوال سرور این قابلیت استفاده از افزونههای CLR اضافه شدن.

نویسنده: سید امیر سجادی

تاریخ: ۱۸:۳۸ ۱۳۹۲/۰۲/۱۰

با تشكر از مطلب مفيدتون.

چند تا سوال برام پیش اومده.

اول اینکه آیا به صورت یک DLL به بانک اضافه میشه؟

دوم اینکه اگه از بانک بک آپ بگیریم و جایی دیگه خواستیم اون رو ریستور کنیم چی میشه؟

آپلود بانک روی هاست (بک آپ یا اتچ) ؟

نویسنده: امیر بختیاری تاریخ: ۱۳۹۲/۰۲/۱۱ ۹:۴۳

به صورت اسمبل*ی* به بانک اضافه میشه

وقتی بک آپ بگیرید و ریستور کنید همراه بک آپ این اسمبلی هم انقال داده میشود

در اتچ هم به همین شکل

فقط زمانی که از این اسمبلی در توابع و پروسیجرها استفاده میکنید نمیتونید حذفش کنید و در صورت تغیرات باید اسمبلی را به روز کنید.

یک مورد دیگه که من زیاد تو هاستهای شیر شده بهش برخوردم اینه که این امکان توشون فعال نیست و ادمین سرورها هم به سختی این امکان را فعال میکنند پس اگر خواستید از این امکان استفاده کنید ابتدا از فعال بودن آن مطمئن شوید

نویسنده: rahim

تاریخ: ۱۲:۱۴ ۱۳۹۳/۰۵/۱۱

با تشكر از مطلب مفيدتون

من زمانی که از این روش استفاده میکنم در هنگام درج رکورد جدید با پیغام خطای زیر مواجه میشم.

:"A .NET Framework error occurred during execution of user-defined routine or aggregate "JalaliDate

.System.OverflowException: Value was either too large or too small for an unsigned byte

```
نویسنده: محمد
تاریخ: ۲۳۱۳۹۳/۰۲۲:۰
```

با سلام؛ من زمانی که این کد را در SQ1 2012 میکنم یک Error در خصوص ToGregorianTime() نمایش داده میشه. لطفا راهنمایی بفرمایید. با تشکر

```
Msg 6522, Level 16, State 2, Line 1
A .NET Framework error occurred during execution of user-defined routine or aggregate
"SpatialDateTime":
System.FormatException: String was not recognized as a valid DateTime.
System.FormatException:
at System.DateTimeParse.ParseExactMultiple(String s, String[] formats, DateTimeFormatInfo dtfi,
DateTimeStyles style)
at System.DateTime.ParseExact(String s, String[] formats, IFormatProvider provider, DateTimeStyles
style)
at System.Data.SqlTypes.SqlDateTime.Parse(String s)
at SpatialDateTime.ToGregorianTime().
```

```
نویسنده: محسن خان
تاریخ: ۱۳۹۳/۰۸/۲۲
```

یک try/catch بذار، تا بتونی تاریخ مشکل دار رو ییدا کنی:

```
var pers = new PersianCalendar();
var date = pers.ToDateTime(this.Year, this.Month, this.Day, this.Hour, this.Minute, this.Second,
0).ToString();
try
{
    return SqlDateTime.Parse(date);
}
catch(Exception ex)
{
    throw new InvalidOperationException("Can't parse "+ date);
}
```

افزودن یک DataType جدید برای نگهداری تاریخ خورشیدی - 2

نویسنده: حامد قنادی

عنوان:

تاریخ: ۲۱:۱۵ ۱۳۹۲/۰۲/۱۵

آدرس: www.dotnettips.info

برچسبها: SQL Server, SQL Server 2012, Persian, CLR, SQL

پیش از هرچیز به شما پیشنهاد می کنم؛ بار دیگر کد سی شارپ درس نخست را در پروژهی خود کپی کنید و سپس Publish را بزنید. پس از ارسال آن مطلب، تغییراتی در جهت بهینهسازی کد دادم که به نظرم بهتر است شما نیز در پروژهی خود به کار برید.

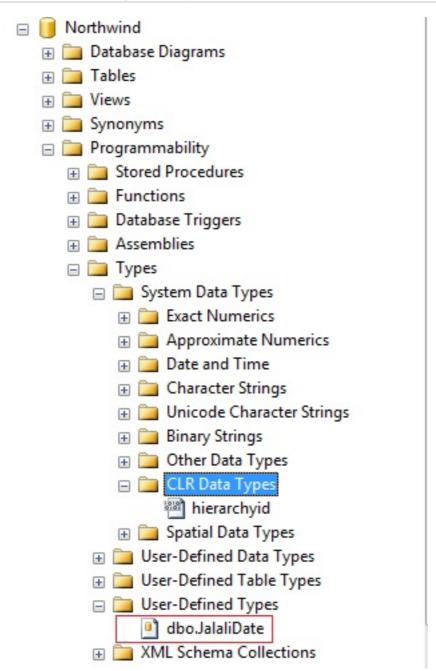
چرا از این نوع داده استفاده کنیم؟

نخستین پرسشی که ممکن است برای شما پیش بیاید این است که چرا بهتر است از این نوع داده استفاده کنیم. برای پاسخ به این پرسش باید راهکارهای گذشته را بررسی کنیم. معمولاً طراحان پایگاه دادهها برای استفاده از تاریخ خورشیدی، زمان را به صورت میلادی ثبت میکنند؛ سپس با یک scalar-valued function زمان درج شده را به خورشیدی تبدیل میکنند. در این صورت میتوان با یک تابع کوچک دیگر بخش مربوط به ساعت را نیز از همان ستون به دست آورد. در این صورت میتوانیم از کلیهی متدهای مربوط به SQL از جمله افزایش و کاهش و تفاضل دو تاریخ بهره برد. برخی دیگر از طراحان، ستونی از نوع داره (10) در نظر میگیرند و تاریخ خورشیدی را به صورت دهکاراکتری در آن ذخیره میکنند. این روش هرچند نیاز به تبدیل به خورشیدی را ندارد ولی کلیهی مزایایی که در استفاده از BateTime به آنها دسترسی داریم از دست میدهیم. افزون بر این جهت نگدداری زمان باید یک فیلد دیگر از نوع کاراکتری و یا در نگارشهای نوینتر از نوع time تعریف کنیم. برخی دیگر از هر دو را در کنار هم استفاده میکنند و در واقع جهت سرعت بالاتر نمایش و بررسی دادهها از طریق محیط SQL Server از فیلد کاراکتری تاریخ خورشیدی و برای مقایسه و بدست آوردن ساعت از فیلد نوع DateTime استفاده میکنند.

از نظر فضای اشغالشده نوع DataTime، هشت بایت، smalldatetime (در صورت استفاده) 4 بایت و فیلد 10 کاراکتری تاریخ 10 بایت فقط 8 بایت فقط اشغال میکند. با استفاده از این نوع به راحتی دادهی تاریخ را بر اساس تقویم ایرانی اعتبارسنجی میکنید و بخشهای مختلف زمان از سال تا ثانیه را با یک متد به دست میآورید. میتوانید به راحتی به تاریخ خود زمانی را بیفزایید یا بکاهید و در گزارشها بدون نگرانی از تبدیل درست استفاده کنید. چون کدباز است میتوانید با کمی حوصله امکانات دیگر مد نظر خود را به آن بیفزایید و از آن در SQL بهره ببرید.

چگونه این نوع داده را حذف کنم!؟

شما میتوانید به سادگی نوع دادهی ایجادشده توسط CLR را در مسیر زیر بیابید و اقدام به حذف آن نمایید:



همانطور که مشاهده میشود؛ حتی نوع دادهی سیستمی hierarchyid که جهت ساختار سلسلهمراتبی مانند چارت سازمانی یا درخت تحهیزات استفاده میشود؛ نیز یک نوع دادهی CLR است.

آیا راه دیگری نیز برای افزودن این نوع داده به SQL به جز Publish کردن وجود دارد؟

مانند بسیاری دیگر از گونههای پروژه، در اینجا نیز شما یک فایل DLL خواهید داشت. این فایل برپایهی تنظیماتی که شما در قسمت Properties پروژهی خود انجام میدهید ساخته میشود. پس از تغییر مسیر فایل DLL در دستور زیر توسط یک New Query از Database خود، آن را اجرا کنید:

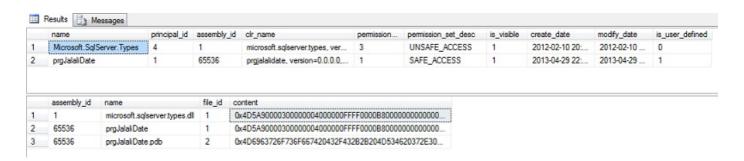
CREATE ASSEMBLY JalaliDate
FROM 'F:\prgJalaliDate.dll'
WITH PERMISSION_SET = SAFE;

همچنین در صورت ویرایشهای دوباره پروژه از دستور زیر استفاده کنید:

ALTER ASSEMBLY JalaliDate FROM 'F:\prgJalaliDate.dll'

با استفاده از دستورهای زیر میتوانید از چگونگی درج فایلهای افزوده شده آگاه شوید:

select * from sys.assemblies
select * from sys.assembly_files



تا اینجا SQL Server، دیال ال مربوط به پروژه را شناخته است. برای تعریف نوع داده از دستور زیر بهره ببرید:

CREATE TYPE dbo.JalaliDate
EXTERNAL NAME JalaliDate.[JalaliDate];

این کار همانند استفاده از گزینهی Publish در Visual Studio است.

همچنین چنانچه در SQL Server 2012 از منوی راستکلیک پایگاه دادهها روی گزینه Tasks و سپس Generate Scripts را انتخاب کنیم، از مشاهدهی سند ساخته شده، درخواهیم یافت که حتی دستورهای مربوط به ساخت اسمبلی CLR با تبدیل فایل به کد در Scripts وجود دارد و با اجرای آن در سروری دیگر، انتقال مییابد.

```
GO

/****** Object: SqlAssembly [prgJalaliDate] Script Date: 2013/04/30 08:27:00 ف.ب ******/
CREATE ASSEMBLY [prgJalaliDate]
FROM 0x4D5A9000030000004000000FFFF0000B8000000000000 ..... منف عذف شده ..... WITH PERMISSION_SET = SAFE

GO
ALTER ASSEMBLY [prgJalaliDate]
ADD FILE FROM 0x4D6963726F736F667420432F432B2B204D534620372E30300D0A1A44530 ..... منف عذف شده ..... AS N'prgJalaliDate.pdb'

GO
/******* Object: UserDefinedType [dbo].[JalaliDate] Script Date: 2013/04/30 08:27:00 *******/
CREATE TYPE [dbo].[JalaliDate]
EXTERNAL NAME [prgJalaliDate].[JalaliDate]
```

دنباله دارد ...

نظرات خوانندگان

نویسنده: محمد عادل تاریخ: ۲/۱۸ ۱:۴۳ ۱۳۹۲/۰۲/۱۱

در این حالت ، چطور میتونیم در EF Code First از این DataType استفاده کنیم ؟

نویسنده: محسن خان تاریخ: ۲/۱۱ ۱۳۹۲/۰۲۹۳۸ ۸:۳۴

از برنامه Entity Framework Power Tools برای مهندسی معکوس ساختار موجود استفاده کنید و بعد مشاهده کنید که چه کدی رو تولید میکنه. کار شما در این حالت code first نیست.

> نویسنده: حامد حسین نژاد تاریخ: ۲/۱۱°۹۲۳۲ ۹:۲۰

البته باید این را هم در نظر گرفت که کلا CLR Integration باعث کندی دیتابیس میشود و انواع داده CLR بسیار کندتر از بقیه اجرا میشوند. این موضوع ممکن است که در دیتابیسهای کوچک چندان مهم بنظر نیاید ولی در دیتابیسهای بزرگ باعث بروز مشکل خواهد شد. علاوه بر این استفاده از انواع داده CLR و یا توابع CLR در دیتابیس باعث میشود که امکان پارتیشن بندی جداول آن دیتابیس وجود نداشته باشد.

نویسنده: محسن خان تاریخ: ۱۱:۳۴ ۱۳۹۲/۰۲/۱۱

مقالهای هست اینجا در مورد کارآیی CLR در SQL Server. به نظر میرسه سریعتر است حدود 11 درصد نسبت به T-SQL معمولی. برای پارتشین بندی میتونید اینکار رو انجام بدید فقط این نوع خاص قابل انتخاب نیست. مابقی فیلدها <u>رو میتونید</u> انتخاب کنید.

> نویسنده: حامد حسین نژاد تاریخ: ۲/۱۱ /۱۳۹۲ ۱۸:۳۱

البته کارایی CLR، بسته به مورد استفاده، متفاوته (این لینک). در مواردی مثل همین مثال، اگه تعداد سطور جدول زیاد باشه، کارایی رو به شدت کاهش میده. مخصوصا اگه بخواین از Data Warehousing هم استفاده کنید.

> نویسنده: محسن خان تاریخ: ۱۹:۲۸ ۱۳۹۲/۰۲/۱۱

این به شدت رو میتونید در موردش عدد و رقم ارائه بدید؟ در همون لینکی که دادید عنوان شده پیاده سازی RegEx روی سطور بالا خیلی سریعتر هست با CLR. در هر حال بهتره با عدد و رقم و محاسبات بحث کرد.

> نویسنده: حامد حسین نژاد تاریخ: ۲/۱۲ «۱۳۹۲ ۱۴:۲۸

مثلا فرض کنید جدولی دارید که اطلاعات Taskهای یک شرکت رو نگه میداره که شامل تاریخ شروع و تاریخ پایان هر Task هم هست. اگه این جدول یک میلیون سطر داده داشته باشه و بخوایم Task هایی که مدت زمان انجام اونها کمتر از 5 روز بوده رو انتخاب کنیم تفاوت فاحشی با datetime خواهیم داشت.

البته، همونطور که گفتم بسته به نوع استفاده داره و ممکنه از دیتابیسی به دیتابیس دیگه فرق بکنه.

عنوان: افزودن یک DataType جدید برای نگهداری تاریخ خورشیدی - 3

حامد قنادی

تاریخ: ۲/۱۳۹۲/۰۲/۱۳

نویسنده:

آدرس: www.dotnettips.info

برچسبها: SQL Server, SQL Server 2012, Persian, CLR

در دو درس گذشته با DataType ای که با هم نوشتیم؛ میتوانستیم این پرسوجوها را داشته باشیم:

```
Declare @MyDate JalaliDate = '1392/02/11 21:38:24'

Select @MyDate.ToString() as MyDateTime

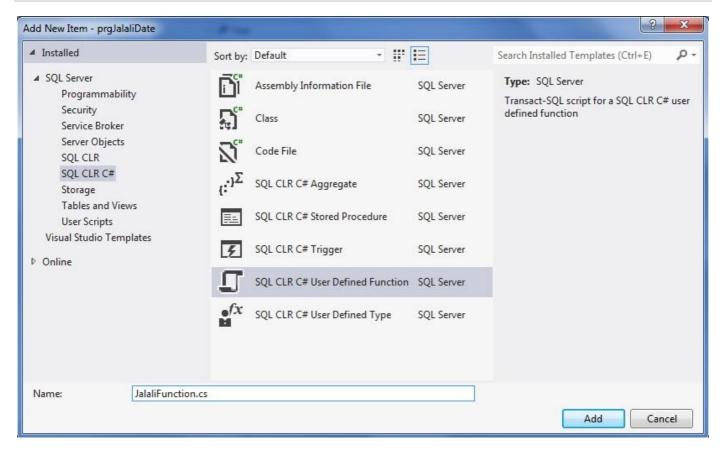
, @MyDate.GetDate() as MyDate
, @MyDate.GetTime() as MyTime
, @MyDate.Year as MyYear
, @MyDate.Month as MyMonth
, @MyDate.Day as MyDay
, @MyDate.Hour as MyHour
, @MyDate.Hour as MyHour
, @MyDate.Second as MySecond
, @MyDate.JalaliDateAdd('Year',1) as NextYear
, @MyDate.JalaliDateAdd('Month',1) as NextMonth
, @MyDate.JalaliDateAdd('Month',1) as NextHour
, @MyDate.JalaliDateAdd('Hour',1) as NextHour
, @MyDate.JalaliDateAdd('Hour',1) as NextHour
, @MyDate.JalaliDateAdd('Minute',1) as NextMinute
, @MyDate.JalaliDateAdd('Second',1) as NextMinute
```

که در نهایت خروجی کار به شکل زیر خواهد بود:

MyDateTime		MyDate	MyTime	MyYear	MyMonth	MyDay	MyHour	MyMinute	MySeco	nd	I
1 1392/02/11 21	38:24	1392/02/11	21:38:24	1392	2	11	21	38	24		
NextYear	Next M	onth	NextDay		NextHo	our	Ne	xtMinute	1	VextSe	econd

با این همه، همانسان که در پرسوجوی بالا هم میبینید؛ ناگزیر شدم تاریخ و زمان را خودم وارد کنم و هرآینه در واقعیت شما جهت پرسوجو روی زمان کنونی، ناگزیر به استفاده از یک تابع برای تبدیل تقویم میلادی به خورشیدی هستیم. به نظر شما بهتر نیست دست به کار شویم و تابعی برای تبدیل تاریخ میلادی به خورشیدی بنویسیم؟

برای این کار پروژهای را که در دو درس 1 ساختیم باز کنید و سپس روی نام پروژه در Solution Explorer راست کلیک کرده و Add New Item را انتخاب کنید.



محتویات فایل بازشده را حذف کنید و دستورهای زیر را جایگزین کنید:

```
using System;
using System.Data;
using System.Data.SqlClient;
using System.Data.SqlTypes;
using Microsoft.SqlServer.Server;

public partial class UserDefinedFunctions
{
    [Microsoft.SqlServer.Server.SqlFunction]
    public static JalaliDate GetCurrentDateTime()
    {
        System.Globalization.PersianCalendar pers = new System.Globalization.PersianCalendar();
        DateTime CurrentDate = DateTime.Now;
        JalaliDate jl;
        jl.Year = (Int16)pers.GetYear(CurrentDate);
        jl.Month = (byte)pers.GetMonth(CurrentDate);
        jl.Hour = (byte)pers.GetHour(CurrentDate);
        jl.Hour = (byte)pers.GetHour(CurrentDate);
        jl.Minute = (byte)pers.GetHour(CurrentDate);
        jl.Second = (byte)pers.GetSecond(CurrentDate);
        return jl;
    }
}
```

بار دیگر پروژه را به روشی که در درس یک آموزش داده شد؛ Publish کنید. اکنون میتوانیم تاریخ و زمان کنونی را در متغیری از نوع JalaliDate وارد کنیم.

```
Declare @MyDate JalaliDate = dbo.GetCurrentDateTime()
```

یا به این شکل تاریخ و زمان جاری را مشاهده کنیم:

Select dbo.GetCurrentDateTime().ToString()



دنباله دارد...

نظرات خوانندگان

```
نویسنده: فرشید علی اکبری
تاریخ: ۲/۱۴ ۱۳۹۲/ ۱۰:۳۴
```

از دوستان اگه کسی نحوه استفاده این تکنیک رو توی EF Code First میدونه لطفا مطلب رو Share کنه تا امکان استفاده این دسته از عزیزان هم از زحمتی که آقای قنادی کشیدن باشه. با تشکر.

```
نویسنده: محسن خان
۱۰:۴۲ ۱۳۹۲/۰۲/۱۴ تاریخ:
public DateTime AddDate { set; get; }
[NotMapped] / فیلد محاسباتی سمت برنامه که در بانک اطلاعاتی قرار نخواهد گرفت // public string PersianDate
وفیلد محاسباتی سمت برنامه که در بانک اطلاعاتی قرار نخواهد گرفت // get { return MyDateConverter(AddDate); }
```

در code first از ویژگی NotMapped استفاده کنید تا بتونید با استفاده از تابع کمکی تبدیل تاریخ خودتون راحت این تبدیلات رو انجام بدید. در بانک اطلاعاتی DateTime استاندارد رو ذخیره کنید، در سمت کدها برای مسایل نمایشی از خاصیت PersianDate که NotMapped تعریف شده، میشه استفاده کرد. به علاوه روی DateTime استاندارد راحت میشه کوئریهای LINQ رو اجرا کرد بدون محدودیت. زمانیکه مثلا یک List تهیه شد، قسمت بعدی، کار نمایشی است که از خاصیت NotMapped میشه کمک گرفت. این روش با تمام بانکهای اطلاعاتی کار میکنه.

```
icolumn(TypeName = "xml")]
public string XmlValue { get; set; }

[NotMapped]
public XElement XmlValueWrapper
{
    get { return XElement.Parse(XmlValue); }
    set { XmlValue = value.ToString(); }
}
```

روش عمومی کار با نوعهای خاصی که در EF تعریف نشدن، استفاده از ویژگی Column و مشخص کردن Type آن است؛ مانند مثالی که در بالا ملاحظه میکنید. البته این نوع خاص، در سمت کدها باید به صورت رشته تعریف شود. مثلا از سال 2005 به این طرف فیلد XML به SQL Server اضافه شده. اما نمی شود ازش در EF به همون شکل XML استفاده کرد. باید تبدیلش کنی به String تا قابل استفاده بشه. یک نمونه دیگرش نوع خاص Spatial هست که در نگارشهای اخیر SQL Server اضافه شده (geography و geography). این مورد فقط از EF 5.0 به بعد پشتیبانی توکاری ازش ارائه شده. یا برای hierarchyID در EF معادلی وجود نداره. برای تعریف این مورد نیز در یک مدل باید از string استفاده کرد.

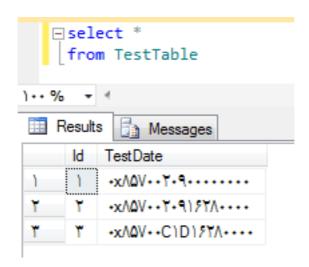
بعد اگر این نوع خاص (که الان به صورت رشته دریافت شده) قابل نگاشت به نوعی مشخص در سمت کدهای برنامه بود (یعنی صرفا یک رشته ساده نبود) مثلا میشود از ویژگی NotMapped برای تبدیل آن و تعریف آن به شکل یک فیلد محاسباتی استفاده کرد.

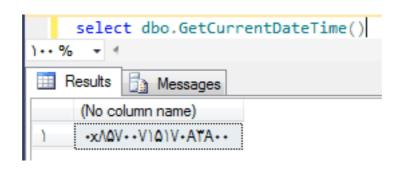
نویسنده: پرنیا تاریخ: ۲۳:۱۶ ۱۳۹۲/۰۷/۲۱

با سلام

پروژه ای که شرح دادین رو ایجاد و در SQL server 2012 ، Publish کردم و در جدول هم مقادیر تستی درج کردم. زمانی که جدول را در Mode با Object Browser ویرایش باز میکنم هیج مشکلی وجود ندارد و دادهها درست نمایش داده میشوند اما زمانی که با دستورات T-SQL کار میکنم مقادیر را به صورت یک رشته از کاراکترها نمایش میدهد که نامفهوم میباشد. تصویر اجرای کوئریها را میذارم لطفا راهنمایی کنید.

	Id	TestDate
•	1	1447/+4/+4 ++:++:++
	۲	1897/+7/+9 77:5+:++
	٣	1897/17/89 77:50:00
*	NULL	NULL





تاریخ: ۲۱/۱۳۹۲/۰۷/۲۲ ؛ ه

SQLCLR types به صورت پیش فرض با فرمت serialized binary value بازگشت داده میشوند.

SELECT id, TestDate.ToString() FROM TestTable;

در ابزارهای کوئری گرفتن ad-hoc مثل SSMS باید یک متد ToString را هم به انتهای نام ستون اضافه کنید تا مقدار نمایشی واضحی حاصل شود.

```
عنوان: intern pool جدول نگهداری رشتهها در داتنت
```

نویسنده: رحمت اله رضایی تاریخ: ۲۲:۳۰ ۱۳۹۲/۰۲/۲۹

آدرس: www.dotnettips.info

برچسبها: C#, Tips, CLR, string, intern, pool

کد زیر را در نظر بگیرید:

```
object text1 = "test";
object text2 = "test";

object num1 = 1;
object num2 = 1;

Console.WriteLine("text1 == text2 : " + (text1 == text2));
Console.WriteLine("num1 == num2 : " + (num1 == num2));
```

به نظر شما چه چیزی در خروجی نمایش داده میشود؟

هر چهار متغییر text1 و text2 و num1 و num2 از نوع object هستند. با اینکه مقدار text1 و text2 یکی و مقدار num1 و num2 هم یکی است، نتیجه text1==text2 برابر true است اما num1==num2 برابر false.

خطی که text2 تعریف شده است را تغییر میدهیم:

```
object text2 = "test".ToLower();
```

اینبار با این که باز مقدار text1 و text2 یکی و هر دو "test" است، اما نتیجه text1==text2 برابر false است. انتظار ما هم object برابر true است. دو object باشد که هر دو به یک object ایجاد شده است و یکی نیستند. تنها در صورتی باید نتیجه == آنها true باشد که هر دو به یک lext اشاره کنند.

اما چرا در کد اولی اینگونه نبود؟

دلیل این کار برمیگردد به رفتار داتنت نسبت به رشتههایی که به صورت صریح در برنامه تعریف میشوند. CLR یک جدول برای ذخیره رشتهها به نام intern pool برای برنامه میسازد. هر رشتهای تعریف میشود، اگر در intern pool رشتهای با همان مقدار وجود نداشته باشد، یک رشته جدید ایجاد و به جدول اضافه میشود، و اگر موجود باشد متغییر جدید فقط به آن اشاره میکند. در واقع اگر 100 جای برنامه حتی در کلاسهای مختلف، رشتههایی با مقادیر یکسان وجود داشته باشند، برای همه آنها یک نمونه وجود دارد.

بنابراین text1 و text2 در کد اولی واقعا یکی هستند و یک نمونه برای آنها ایجاد شده است.

البته چند نکته در اینجا هست:

اگر text1 و text2 به صورت string تعریف شوند، نتیجه text1==text2 در هر دو حالت فوق برابر true است. چون عملگر == در کلاس string یکبار دیگر overload شده است:

```
public sealed class String : ...
{
    ...
    public static bool operator ==(string a, string b)
    {
```

```
return string.Equals(a, b);
}
...
}
```

این که کدام یک از overload اجرا شوند (کلاس پایه، کلاس اصلی، ...) به نوع دو متغییر اطراف == بستگی دارد. مثلا در کد زیر

```
string text1 = "test";
string text2 = "test".ToLower();
Console.WriteLine("text1 == text2 (string) : " + (text1 == text2));
Console.WriteLine("text1 == text2 (object) : " + ((object)text1 == (object)text2));
```

اولین نتیجه true و دومی false است. چون در اولی عملگر == تعریف شده در کلاس string مورد استفاده قرار میگیرد اما در دومی عملگر == تعریف شده در کلاس object.

اگر دقت نشود این رفتار مشکلزا میشود. مثلا حالتی را در نظر بگیرید که text1 ورودی کاربر است و text2 از بانک اطلاعاتی خوانده شده است و با اینکه مقادیر یکسان دارند نتیجه == آنها false است. اگر تعریف عملگرها در کلاس object به صورت virtual بود و در کلاسهای دیگر override میشد، این تغییر نوعها تاثیری نداشت. اما عملگرها به صورت static تعریف میشوند و امکان override شدن ندارند. به همین خاطر کلاس object متدی به اسم Equals در اختیار گذاشته که کلاسها آنرا override میکنند و معمولا از این متد برای سنجش برابری دو کلاس استفاده میشود:

```
object text1 = "test";
object text2 = "test".ToLower();
Console.WriteLine("text1 Equals text2 : " + text1.Equals(text2));
Console.WriteLine("text1 Equals text2 : " + object.Equals(text1, text2));
```

البته یادآور میشوم که **فقط رشتههایی که به صورت صریح در برنامه تعریف شدهاند، در intern pool قرار میگیرند و این فهرست شامل رشتههایی که از فایل یا بانک اطلاعاتی خوانده میشوند یا در برنامه تولید میشوند، نیست.** این کار منطقی است وگرنه حافظه زیادی مصرف خواهد شد.

با استفاده از متد <u>string.Intern</u> میتوان یک رشته را که در intern pool وجود ندارد، به فهرست آن افزود. اگر رشته در intern pool وجود داشته باشد، reference آنرا بر می گرداند در غیر اینصورت یک reference به رشته جدید به intern pool اضافه می کند و آنرا برمی گرداند.

یک مورد استفاده آن هنگام lock روی رشتههاست. برای مثال در کد زیر DeviceId یک رشته است که از بانک اطلاعاتی خوانده میشود و باعث میشود که چند job همزمان به یک دستگاه وصل نشوند :

```
lock (job.DeviceId)
{
    job.Execute();
}
```

اگر یک job با DeviceId برابر COM1 در حال اجرا باشد، این lock جلوی اجرای همزمان job دیگری با همین DeviceId را

نمی گیرد. زیرا هر چند مقدار DeviceId دو job یکی است ولی به یک نمونه اشاره نمی کنند.

میتوان lock را اینگونه اصلاح کرد :

```
lock (string.Intern(job.DeviceId))
{
    job.Execute();
}
```

نظرات خوانندگان

نویسنده: محسن خان تاریخ: ۲/۳۵ ۱۳۹۲/۰۳۵:۰

ممنون. البته شرایط کد خودتون رو کامل اینجا قرار ندادید ولی در حالت کلی توصیه میشه که برای استفاده از 10ck یک شیء private object در سطح کلاس تعریف بشه و از اون استفاده بشه تا حالتهای دیگر .

نویسنده: رحمت اله رضایی تاریخ: ۲/۳۱ ۱۳۹۲/۰۹

- البته این فقط یک مثال بود برای درک متد string.Intern .
- چگونگی شی معرفی شده به lock هم بسته به شرایط ممکن است متفاوت باشد. ممکن است یک private object در سطح همان کلاسی که lock در آن استفاده میشود، جوابگو باشد. اما در شرایط دیگری ممکن است اینگونه نباشد. مانند مثال فوق.

همه چیز در مورد CLR : قسمت اول

علی یگانه مقدم

\∆:f∆\\mathref{\chi}\chi\mathref{\chi}\mathref{\chi}\chi\mathref{\chi}\chi\mathref{\chi}\chi\mathref{\chi}\mathref{

گروهها: CLR, .NET Framework

عنوان:

تاریخ:

آدرس:

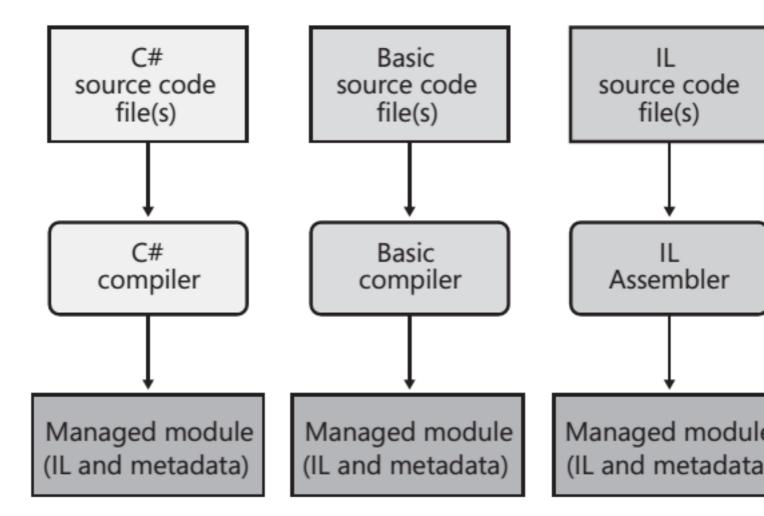
نویسنده:

در حال حاضر من کتاب CLR Via Csharp ویرایش چهارم نوشته آقای جفری ریچر را مطالعه می کنم و نه قسمت از این مقالات، از بخش اول فصل اول آن به پایان رسیده که همگی آنها را تا 9 روز آینده منتشر خواهم کرد. البته سعی شده که مقالات ترجمه صرف نباشند و منابع دیگری هم در کنار آن استفاده شده است. بعضی موارد را هم لینک کردهام. تمام سعی خود را می کنم تا ادامه کتاب هم به مرور به طور مرتب ترجمه شود؛ تا شاید نسخهی تقریبا کاملی از این کتاب را به زبان فارسی در اختیار داشته باشیم. بعد از اینکه برنامه را تحلیل کردید و نیازمندیهای یک برنامه را شناسایی کردید، وقت آن است که زبان برنامه نویسی خود را انتخاب کنید. هر زبان ویژگیهای خاص و منحصر به فرد خود را دارد و این ممکن هست انتخاب شما را سخت کند. برای مثال شما در زبانهای ++ در زبانهای کنترل بسیار زیادی روی امور سیستمی از قبیل حافظه و تردها دارید و به هر روشی که میخواهید می توانید آنها را پیکربندی کنید. در زبانهایی چون Visual basic قدیم و مشابههای آن عموما اینگونه بود که طراحی یک ایلیکیشن از رابط کاربری گرفته تا اتصال به دیتابیس و اشیاء COM در آن ساده باشد؛ ولی در زبانهای هر کدته تا اتصال به دیتابیس و اشیاء COM در آن ساده باشد؛ ولی در زبانهای CLR گربری گرفته تا اتصال به دیتابیس و اشیاء COM در آن ساده باشد؛ ولی در زبانهای CLR کنید.

در زبانهای CLR شما دیگر وقت خود را به موضوعاتی چون مدیریت حافظه، هماهنگ سازی تردها و مباحث امنیتی و صدور استثناء در سطوح پایینتر نمیدهید و فرقی هم نمیکند که از چه زبانی استفاده میکنید. بلکه CLR هست که این امور را انجام میدهد و این مورد بین تمامی زبانهای CLR مشترک است. برای مثال کاربری که قرار است در زمان اجرا استثناءها را صادر کند، در واقع مهم نیست که از چه زبانی برای آن استفاده میکند. بلکه آن CLR است که مدیریت آن را به عهده دارد و روال کار CLR در واقع مهم زبانها یکی است، چرا تعدد زبان دیده برای همه زبانها یکی است. پس این سوال پیش میآید که وقتی مبنا و زیر پایهی همه زبانهای CLR یکی است، چرا تعدد زبان دیده میشود و مزیت هر کدام بر دیگری چیست؟ اولین مورد syntax آن است. هر کاربر رو به چه زبانی کشیده میشود و شاید تجربهی سابق در قدیم با یک برنامهی مشابه بوده است که همچنان همان رویه سابق را ادامه میدهد و یا اینکه نحوهی تحلیل و آنلیز کردن کدهای آن زبان است که کاربر را به سمت خود جذب کرده است. گاهی اوقات بعضی از زبانها با تمرکز در انجام بعضی از کارها چون امور مالی یا ریاضیات، موارد فنی و ... باعث جذب کاربران آن گروه کاری به سمت خود میشوند. البته بعدا در آینده متوجه میشویم که بسیاری از زبانها مثل سی شارپ و ویژوال بیسیک هر کدام قسمتی از امکانات CLR را پوشش میدهند نه تمام آن را.

زبانهای CLR چگونه کار میکنند؟

در اولین گام بعد از نوشتن برنامه، کامپایلر آن زبان دست به کار شده و برنامه را برای شما کامپایل میکند. ولی اگر تصور میکنید که برنامه را به کد ماشین تبدیل میکند و از آن یک فایل اجرایی میسازد، سخت در اشتباه هستید. کامپایلر هر زبان CLR، کدها را به یک زبان میانی Intermediate Language به اختصار II تبدیل میکند. فرقی نمیکند چه زبانی کار کردهاید، کد شما تبدیل شده است به یک زبان میانی مشترک. CLR نمیتواند برای تک تک زبانهای شما یک مفسر داشته باشد. در واقع هر کمپایلر قواعد زبان خود را شناخته و آن را به یک زبان مشترک تبدیل میسازد و حالا CLR میتواند حرف تمامی زبانها را بفهمد. به فایل ساخته شده شماعت ساخته و آن را به یک زبان مشترک تبدیل میسازد و حالا unmanaged گفته میشود؛ مثل زبان سی ++ که در دات نت هم شماعته شماعت ساخته و دومی ساخته ساخته و دومی ساخته و در دات نت کار میکند و مستقیما به کد ماشین تبدیل میشود و دومی نیاز به فریم ورک دات نت داشته و به زبان میانی کامپایل میشود. جدول زیر نشان میدهد که کد همهی زبانها تبدیل به یک نوع شده است.



فایل هایی که ساخته میشوند بر دو نوع هستند؛ یا بر اساس استاندارد windows Portable Executable 32bits برای سیستمهای 32 بیتی هستند و یا بر اساس et aloows Portable Executable 64bits مختص سیستمهای 64 بیتی هستند که به ترتیب PE32 و +PE32 نامیده میشوند که CLR بر اساس این اطلاعات آنها را به کد اجرایی تبدیل میکند. زبانهای Address Space یا Data Execution Prevention یا Address Space همیشه این مزیت را داشتهاند که اصول امنیتی چون Deta Execution Prevention و همچنین ASLR یا Layout Randomization

آشنایی با CLR: قسمت دوم

على يگانه مقدم

نویسنده: ·:۵ · ۱٣٩۴/ · ٣/٢٣

تاریخ: آدرس:

عنوان:

www.dotnettips.info CLR, .NET Framework

گروهها:

متادیتاهای یک ماژول مدیریت شده Managed Module

در قسمت قبلی به اصل وجودی CLR پرداختیم. در این قسمت تا حدودی به بررسی ماژول مدیریت شده managed module که از زبانهای دیگر، کامیایل شده و به زبان میانی تبدیل گشته است صحبت میکنیم.

یک ماژول مدیریت شده شامل بخشهای زیر است:

توضيح	نام بخش
CLR باید بداند که برنامهی نوشته شده قرار است روی چه	
پلتفرمی و با چه معماری، اجرا گردد. این برنامه یک برنامهی 32	
بیتی است یا 64 بیتی. همچنین این هدر اشاره میکند که نوع	
فایل از چه نوعی است؛ GUI,CUI یا DLL. به علاوه تاریخ ایجاد یا	
کامپایل فایل هم در آن ذکر شده است. در صورتیکه این فایل	هدر PE32 یا +PE32
شامل کدهای بومی native CPU هم باشد، اطلاعاتی در مورد این	
نوع کدها نیز در این هدر ذکر میشود و اگر ماژول ارائه شده	
تنها شامل کد IL باشد، قسمت بزرگی از اطلاعات این هدر در	
نظر گرفته نمیشود.	
اطلاعاتی را در مورد CLR ارائه میکند. اینکه برای اجرا به چه	
ورژنی از CLR نیاز دارد. منابع مورد استفاده. آدرس و اندازه	CLR Header
جداول و فایلهای متادیتا و جزئیات دی <i>گر</i> .	
هر کد یا ماژول مدیریت شدهای، شامل جداول متادیتا است که	
این جداول بر دو نوع هستند. اول جداولی که نوعها و اعضای تعریف شده در کد را توصیف میکنند و دومی جداولی که نوعها	metadata
و اعضایی را که در کد به آن ارجاع شده است، توصیف میکنند.	
اینجا محل قرار گیری کدهای میانی تبدیل شده است که در	
زمان اجرا، CLR آنها را به کدهای بومی تبدیل میکند.	IL Code

کامپایلرهایی که بر اساس CLR کار میکنند، وظیفه دارند جداول متادیتاها را به طور کامل ساخته و داخل فایل نهایی embed کنند. متادیتاها مجموعهی کاملی از فناوریهای قدیمی چون فایلهای COMponent Object Model و همچنین IDL یا IDL یا IDL متادیتاها Definition (Description) Language هستند. گفتيم كه متاديتاها هميشه داخل فايل IL كه ممكن است DLL باشد يا EXE، تركيب یا Embed شدهاند و جدایی آنها غیر ممکن است. در واقع کامپایلر در یک زمان، هم کد IL و هم متادیتاها را تولید کرده و آنها را به صورت یک نتیجهی واحد در میآورد.

متادیتاها استفادههای زیادی دارند که در زیر به تعدادی از آنان اشاره میکنیم:

موقع کامپایل نیاز به هدرهای C و ++ از بین میرود؛ چرا که فایل نهایی شامل تمامی اطلاعات ارجاع شده میباشد. کامپایلرها مىتوانند مستقيما اطلاعات را از داخل متاديتاها بخوانند.

ویژوال استودیو از آنها برای کدنویسی راحت تر بهره می گیرد. با استفاده از قابلیت Intellisense، متادیتاها به شما خواهند گفت چه متدهایی، چه پراپرتیهایی، چه رویدادهایی و ... در دسترس شماست و هر متد انتظار چه پارامترهایی را از شما دارد. CLR Code Verification از متادیتا برای اینکه اطمینان کسب کند که کدها تنها عملیات type Safe را انجام میدهند، استفاده ميكند.

متادیتاها به فیلد یک شیء اجازه میدهند که خود را به داخل بلوکهای حافظ انتقال داده و بعد از ارسال به یک ماشین دیگر، همان شیء را با همان وضعیت، ایجاد نماید.

متادیتاها به GC اجازه میدهند که طول عمر یک شیء را رصد کند. GC برای هر شیء موجود میتواند نوع هر شیء را تشخیص داده و از طریق متادیتاها میتواند تشخیص دهد که فیلدهای یک شیء به اشیاء دیگری هم متصل هستند.

در آینده بیشتر در مورد متادیتاها صحبت خواهیم کرد.

آشنایی با CLR: قسمت سوم

علی یگانه مقدم ۱:۱۵ ۱۳۹۴/۰۳/۲۴

www.dotnettips.info

گروهها: CLR, .NET Framework

عنوان:

تاریخ: آدرس:

نویسنده:

در اینجا ما زیاد بر روی جزئیات یک اسمبلی مانور نمیدهیم و آن را به آینده موکول میکنیم و فقط مقداری از مباحث اصلی را ذکر میکنیم.

ترکیب ماژولهای مدیریت شده به یک اسمبلی

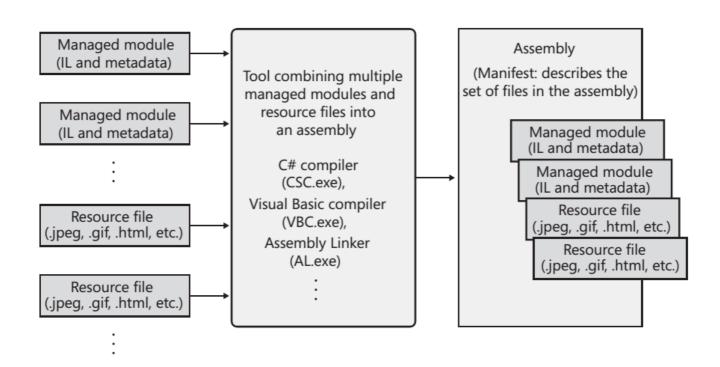
اگر حقیقت را بخواهید CLR نمی تواند با ماژولها کار کند، بلکه با اسمبلیها کار میکند. اسمبلی یک مفهوم انتزاعی است که به سختی میتوان برای بار اول آن را درک کرد.

اول از همه: اسمبلی یک گروه منطقی از یک یا چند ماژول یا فایلهای ریسورس (منبع) است.

دوم: اسمبلی کوچکترین واحد استفاده مجدد، امنیت و نسخه بندی است.

بر اساس انتخابی که شما در استفاده از کامپایلرها و ابزارها کردهاید، نسخهی نهایی شامل یک یا چند فایل اسمبلی خواهد شد. در دنیای CLR ما یک اسمبلی را کامپوننت صدا میزنیم.

شکل زیر در مورد اسمبلیها توضیح میدهد. آنچه که شکل زیر توضیح میدهد تعدادی از ماژولهای مدیریت شده به همراه فایلهای دی با 64 بیتی تبدیل شدهاند که داخل یک گروه فایلهای 32 یا 64 بیتی تبدیل شدهاند که داخل یک گروه بندی منطقی از فایلها قرار گرفتهاند. آنچه که اتفاق میافتد این هست که این فایلهای 32 یا 64 بیتی شامل بلوکی از دادههایی است که با نام manifest شناخته میشوند. manifest یک مجموعه دیگر از جداول متادیتاها است. این جداول به توصیف فایلهای تشکیل دهنده اسمبلی میپردازد.



همه کارهای تولید اسمبلی به صورت خودکار اتفاق میافتد. ولی در صورتیکه قصد دارید فایلی را به اسمبلی به طور دستی اضافه کنید نیاز است که به دستورات و ابزارهای کامپایلر آشنایی داشته باشید. یک اسمبلی به شما اجازه میدهد تا مفاهیم فیزیکی و منطقی کامپوننت را از هم جدا سازید. اینکه چگونه کد و منابع خود را از یکدیگر جدا کنید به خود شما بر میگردد. برای مثال اگر قصد دارید منابع یا نوع دادهای را که به ندرت مورد استفاده قرار میگیرد، در یک فایل جدا از اسمبلی نگهداری کنید، این فایل جدا میتواند بر اساس تقاضای کاربر در زمان اجرای برنامه از اینترنت دریافت شود. حال اگر همین فایل هیچگاه استفاده نشود، در زمان نصب برنامه و مقدار حافظه دیسک سخت صرفه جویی خواهد شد. اسمبلیها به شما اجازه میدهند که فایلهای توزیع برنامه را به چندین قسمت بشکنید، در حالی که همهی آنها متعلق به یک مجموعه هستند.

یک ماژول اسمبلی شامل اطلاعاتی در رابطه با ارجاعاتش است؛ به علاوه ورژن خود اسمبلی. این اطلاعات سبب میشوند که یک اسمبلی خود تعریف self-describing شود که به بیان ساده تر باعث میشود CLR وابستگیهای یک اسمبلی را تشخیص داده تا محدتنب اجرای آنها را پیدا کند. نه دیگر نیازی به اطلاعات اضافی در ریجستری است و نه در Active Directory Domain Service یا به اختصار ADDS.

از آنجایی که هیچ اطلاعاتی اضافی نیست، توزیع ماژولهای مدیریت شده راحتتر از ماژولهای مدیریت نشده است.

مطلب مشابهی نیز در وبلاگ آقای <u>شهروز جعفری</u> برای توصیف اسمبلیها وجود دارد که خیلی خوب هست به قسمت مطالب مرتبط آن هم نگاهی داشته باشید.

آشنایی با CLR: قسمت چهارم

علی یگانه مقدم ۳/۲۵ /۱۳۹۴ ۴۵:۰

تاریخ: ۱۳۹۴/۰۳/۲۵: آدرس: www.dotnettips.info

گروهها: CLR, .NET Framework

عنوان:

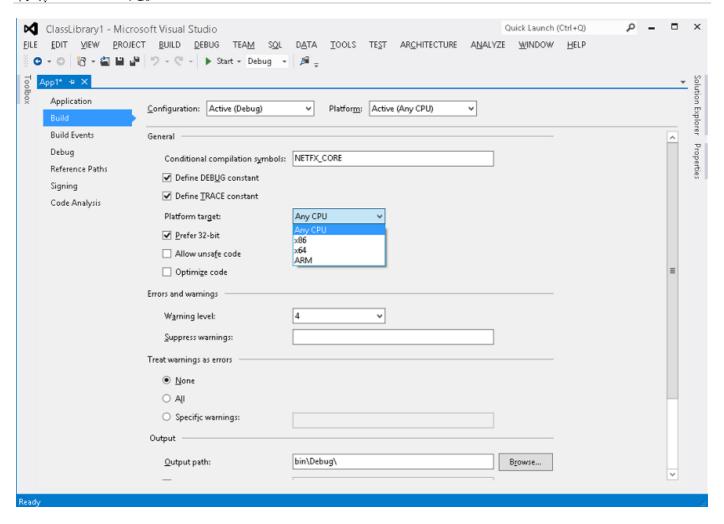
نویسنده:

در قسمت قبلی با اسمبلیها تا حدی آشنا شدیم. امروز میخواهیم یاد بگیریم که چگونه اسمبلیها در حافظه بارگذاری میشوند. همانطور که میدانید CLR مسئول اجرای کدهای داخل اسمبلیهاست. به همین دلیل یک نسخهی دات نت فریم ورک هم باید در ماشین مقصد نصب باشد. به همین منظور مایکروسافت بستههای توزیع شوندهی دات نت فریمورک را فراهم کرده تا به سادگی بر روی سیستم مشتری نصب شوند و بعضی از ویندوزها نیز نسخههای متفاوتی از دات نت فریم ورک را شامل میشوند. برای اینکه مطمئن شوید که آیا دات نت فریم ورک نصب شده است، میتوانید در شاخهی system32 سیستم، وجود فایل برای اینکه مطمئن شوید. البته بر روی یک سیستم میتواند نسخههای مختلفی از یک دات نت فریم ورک نصب باشد. برای آگاهی از اینکه چه نسخههایی بر روی سیستم نصب است باید مسیرهای زیر را مورد بررسی قرار دهید:

%SystemRoot%\Microsoft.NET\Framework %SystemRoot%\Microsoft.NET\Framework64

بستهی دات نت فریمورک شامل ابزار خط فرمانی به نام CLRVer.exe میشود که همهی نسخههای نصب شده را نشان میدهد. این ابزار با سوییچ all میتواند نشان دهد که چه پروسههایی در حال حاضر دارند از یک نسخهی خاص استفاده میکنند. یا اینکه ID یک پروسه را به آن داده و نسخهی در حال استفاده را بیابیم.

قبل از اینکه پروسهی بارگیری یک اسمبلی را بررسی کنیم، بهتر است به نسخههای 32 و 64 بیتی ویندوز، نگاهی بیندازیم: یک برنامه در حالت عمومی بر روی تمامی نسخهها قابل اجراست و نیازی نیست که توسعه دهنده کار خاصی انجام دهد. ولی اگر توسعه دهنده نیاز داشته باشد که برنامه را محدود به پلتفرم خاصی کند، باید از طریق برگه build در projectProperties در قسمت PlatformTarget معماری پردازنده را انتخاب کند:



موقعیکه گزینه برای روی anyCPU تنظیم شده باشد و تیک گزینه perfer 32-bit را زده باشید، به این معنی است که بر روی هر سیستمی قابل اجراست؛ ولی اجرا به شیوهی 32 بیت اصلح است. به این معنی که در یک سیستم 64 بیت برنامه را به شکل 32 بیت بالا میآورد.

بسته به پلتفرمی که برای توزیع انتخاب میکنید، کامپایلر به ساخت اسمبلیهای با هدرهای (+)P32 میپردازد. مایکروسافت دو ابزار خط فرمان را به نامهای exe. <u>DumpBin</u> و exe. <u>CoreFlags</u> در راستای آزمایش و بررسی هدرهای تولید شده توسط کامپایلر ارائه کرده است.

موقعی که شما یک فایل اجرایی را اجرا میکنید، ابتدا هدرها را خوانده و طبق اطلاعات موجود تصمیم میگیرد برنامه به چه شکلی اجرا شود. اگر دارای هدر p32 باشد وابل اجرا بر روی سیستمهای 32 و 64 بیتی است و اگر +pE32 باشد روی سیستمهای 64 بیتی قابل اجرا خواهد بود. همچنین به بررسی معماری پردازنده که در قسمت هدر embed شده، پرداخته تا اطمینان کسب کند که با خصوصیات پردازنده مقصد مطابقت میکند.

نسخههای 64 بیتی ارائه شده توسط مایکروسافت دارای فناوری به نام Windows On Windows64 هستند که اجازهی اجرای برنامههای 32 بیت را روی نسخههای 64 بیتی، میدهند.

جدول زیر اطلاعاتی را ارائه میکند که در حالت عادی برنامه روی چه سیستمهایی ارائه شده است و اگر آنرا محدود به نسخههای 32 یا 64 بیتی کنیم، نحوهی اجرا آن بر روی سایر پلتفرمها چگونه خواهد بود.

/platform Switch	Resulting Managed Module	x86 Windows	x64 Windows	ARM Windows RT
anycpu (the default)	PE32/agnostic	Runs as a 32-bit application	Runs as a 64-bit application	Runs as a 32-bit application
anycpu32bitpreferred	PE32/agnostic	Runs as a 32-bit application	Runs as a 32-bit application	Runs as a 32-bit application
x86	PE32/x86	Runs as a 32-bit application	Runs as a WoW64 application	Doesn't run
x64	PE32+/x64	Doesn't run	Runs as a 64-bit application	Doesn't run
ARM	PE32/ARM	Doesn't run	Doesn't run	Runs as a 32-bit application

بعد از اینکه هدر مورد آزمایش قرار گرفت و متوجه شد چه نسخهای از آن باید اجرا شود، بر اساس نسخهی انتخابی، یک از نسخههای MSCorEE سی و دو بیتی یا 64 بیتی یا ARM را که در شاخهی system32 قرار دارد، در حافظه بارگذاری مینماید. در نسخههای 64 بیتی ویندوز که نیاز به MSCorEE نسخههای 32 بیتی احساس میشود، در آدرس زیر قرار گرفته است:

%SystemRoot%\SysWow64

بعد از آن ترد اصلی پروسه، متدی را در MSCorEE صدا خواهد زد که موجب آماده سازی CLR بارگذاری اسمبلی اجرایی EXE در حافظه و صدا زدن مدخل ورودی برنامه یعنی متد Main میگردد. به این ترتیب برنامهی مدیریت شده (managed) شما اجرا میگردد.

آشنایی با CLR: قسمت پنجم

علی یگانه مقدم

آدرس: گروهها:

عنوان:

تاریخ:

نویسنده:

CLR, .NET Framework

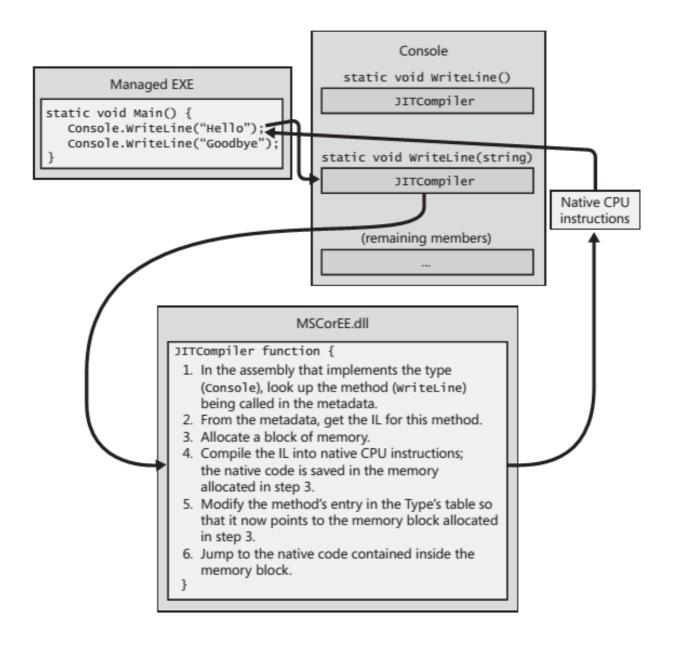
اجرای کدهای اسمبلی

همانطور که قبلا ذکر کردیم یک اسمبلی شامل کدهای IL و متادیتا هاست. IL یک زبان غیر وابسته به معماری سی پی یو است که مایکروسافت پس از مشاورههای زیاد از طریق نویسندگان کامپایلر و زبانهای آکادمی و تجاری آن را ایجاد کرده است. IL یک زبان کاملا سطح بالا نسبت به زبانهای ماشین سی پی یو است. IL میتواند به انواع اشیاء دسترسی داشته و آنها را دستکاری نماید و شامل دستورالعمل هایی برای ایجاد و آماده سازی اشیاست. صدا زدن متدهای مجازی بر روی اشیاء و دستکاری المانهای یک آرایه به صورت مستقیم، از جمله کارهایی است که انجام میدهد. همچنین شامل دستوراتی برای صدور و کنترل استثناء هاست . شما میتوانید IL را به عنوان یک زبان ماشین شیء گرایی تصور کنید.

معمولا برنامه نویسها در یک زبان سطح بالا چون سی شارپ به نوشتن میپردازند و کمپایلر کد IL آنها را ایجاد میکند و این کد IL میتواند به صورت اسمبلی نوشته شود. به همین علت مایکروسافت ابزار ILASM.exe و برای دی اسمبل کردن ILDASM.exe را ارائه کرده است.

این را همیشه به یاد داشته باشید که زبانهای سطح بالا تنها به زیر قسمتی از قابلیتهای CLR دسترسی دارند؛ ولی در IL Assembly توسعه دهنده به تمامی قابلیتهای CLR دسترسی دارد. این انتخاب شما در زبان برنامه نویسی است که میخواهید تا چه حد به قابلیتهای CLR دسترسی داشته باشید. البته یکپارچه بودن محیط در CLR باعث پیوند خوردن کدها به یکدیگر میشود. برای مثال میتوانید قسمتی از یک پروژه که کار خواندن و نوشتن عملیات را به عهده دارد بر دوش #C قرار دهید و محاسبات امور مالی را به APL بسپارید.

برای اجرا شدن کدهای IL، ابتدا CLR باید بر اساس معماری سی پی یو کد ماشین را به دست آورد که وظیفهی تبدیل آن بر عهده Jit یا Just in Time است . شکل زیر نحوه انجام این کار را انجام میدهد:



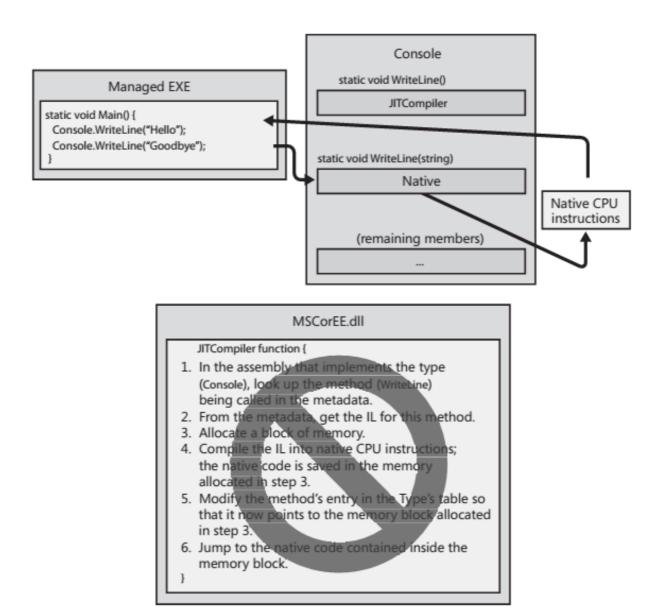
قبل از اجرای متد Main، ابتدا CLR به دنبال ارجاعاتی میگردد که در این متد استفاده شده است تا یک ساختار داده داخلی، برای ارجاعات این متد در حافظه تشکیل شود. در شکل بالا یک ارجاع وجود دارد و آن هم شیء کنسول است. این ساختار داده داخلی شامل یک مدخل ورودی (آدرس آغاز در حافظه) به ازای هر متد تعریف شده در نوع کنسول است. هر مدخل ورودی شامل آدرسی است که متدها در آنجا پیاده سازی شدهاند. موقعیکه این آماده سازی انجام میگیرد، آنها را به سمت یک تابع مستند نشده در خود CLR به نام Jit Compiler ارسال میکند.

موقعیکه کنسول اولین متدش مثلا WriteLine را فراخوانی میکند، کامپایلر جیت صدا زده میشود. تابع کامپایلر جیت مسئولیت تبدیل کدهای IL را به کدهای بومی آن پلتفرم، به عهده دارد. از آنجایی که عمل کامپایل در همان لحظه یا در جا اتفاق میافتد (in time)، عموم این کامپایر را Jitter یا Jitter مینامند.

موقعیکه صدا زدن آن متد به سمت jit انجام شد، جیت متوجه میشود که چه متدی درخواست شده و نحوهی تعریف آن متد به چه صورتی است. جیت هم در متادیتای یک اسمبلی به جست و جو پرداخته و کدهای IL آن متد را دریافت میکند. سپس کدها را تایید و عملیات کامپایل به سمت کدهای بومی را آغاز میکند. در ادامه این کدهای بومی را در قطعهای از حافظه ذخیره میکند. سپس جیت به جایی بر میگردد که CLR از آنجا جیت را وارد کار کرده؛ یعنی مدخل ورودی متد writeline و سپس آدرس آن قطعه

حافظه را که شامل کد بومی است، بجای آن قطعه که به کد IL اشاره میکند، جابجا میکند و کد بومی شده را اجرا و نهایتا به محدودهی main باز می گردد.

در شکل زیر مجددا همان متد صدا زده شده است. ولی از آنجا که قبلا کد کامپایل شده را به دست آوردیم، از همان استفاده میکنیم و دیگر تابع جیت را صدا نمیزنیم.



توجه داشته باشید، در متدهای چند ریختی که شکلهای متفاوتی از پارامترها را دارند، هر کدام کمپایل جداگانهای صورت میگیرد. یعنی برای متدهای زیر جیت برای هر کدام جداگانه فراخوانی میشود.

```
WriteLine("Hello");
WriteLine();
```

در مقالهی آینده عملکرد جیت را بیشتر مورد بررسی قرار میدهیم و در مورد دیباگ کردن و به نظرم برتری CLR را نسبت به زبانهای مدیریت نشده، بررسی میکنیم.

آشنایی با CLR: قسمت ششم

على يگانه مقدم نویسنده: ۰:۵۵ ۱۳۹۴/۰۳/۲۷ www.dotnettips.info

تاریخ: آدرس: گروهها:

عنوان:

CLR, .NET Framework

در مقاله قبلی مبحث کامپایلر JIT را آغاز کردیم. در این قسمت قصد داریم مبحث کارآیی CLR و مباحث دیباگینگ را پیش بکشیم. از آنجا که یک کد مدیریت نشده، مبحث کارهای JIT را ندارد، ولی CLR مجبور است وقتی را برای آن بگذارد، به نظر میرسد ما با یک نقص کوچک در کارآیی روبرو هستیم. گفتیم که جیت کدها را در حافظهی یویا ذخیره میکند. به همین خاطر با terminate شدن یا خاتمه دادن به برنامه، این کدها از بین میروند یا اینکه اگر دو نمونه از برنامه را اجرا کنیم، هر کدام جداگانه کد را تولید میکنند و هر کدام برای خودشان حافظهای بر خواهند داشت و اگر مقایسهای با کدهای مدیریت نشده داشته باشید، در مورد مصرف حافظه یک مشکل ایجاد میکند. همچنین JIT در حین تبدیل به کدهای بومی یک بهینه سازی روی کد هم انجام میدهد که این بهینه سازی وقتی را به خود اختصاص میدهد ولی همین بهینه سازی کد موجب کار آیی بهتر برنامه می گردد. در زبان سی شارپ دو سوئیچ وجود دارند که بر بهینه سازی کد تاثیر گذار هستند؛ سوئیچهای debug و optimize. در جدول زیر تاثیر هر یک از سوئیچها را بر کیفیت کد IL و JIT در تبدیل به کد بومی را نشان میدهد.

Compiler Switch Settings	C# IL Code Quality	JIT Native Code Quality
/optimize- /debug- (this is the default)	Unoptimized	Optimized
/optimize- /debug(+/full/pdbonly)	Unoptimized	Unoptimized
<pre>/optimize+ /debug(-/+/full/pdbonly)</pre>	Optimized	Optimized

موقعیکه از دستور -optimize استفاده میشود، کد IL تولید شده شامل تعداد زیادی از دستورات بدون دستورالعمل No Operation یا به اختصار NOP و پرشهای شاخهای به خط کد بعدی میباشد. این دستور العملها ما را قادر میسازند تا ویژگی edit Continue & را برای دیباگ کردن و یک سری دستورالعملها را برای کدنویسی راحتتر برای دیباگ کردن و ایجاد break pointها داشته باشیم.

موقعی که کد IL بهینه شده تولید شود، این خصوصیات اضافه حذف خواهند شد و دنبال کردن خط به خط کد، کار سختی میشود. ولی در عوض فایل نهایی exe یا dll، کوچکتر خواهد شد. بهینه سازی IL توسط JIT حذف خواهد شد و برای کسانی که دوست دارند کدهای IL را تحلیل و آنالیز کنند، خواندنش سادهتر و آسانتر خواهد بود.

نکتهی بعدی اینکه موقعیکه شما از سوئیچ (/debug(+/full/pdbonly استفاده میکنید، یک فایل PDB یا Program Database ایجاد میشود. این فایل به دیباگرها کمک میکند تا متغیرهای محلی را شناسایی و به کدهای IL متصل شوند. کلمهی full بدین معنی است که JIT میتواند دستورات بومی را ردیابی کند تا مبداء آن کد را پیدا کند. سبب میشود که ویژوال استودیو به یک دیباگر متصل شده تا در حین اجرای پروسه، آن را دیباگ کند. در صورتی که این سوئیچ را استفاده نکنید، به طور پیش فرض پروسه اجرا و مصرف حافظه کمتر میشود. اگر شما پروسهای را اجرا کنید که دیباگر به آن متصل شود، به طور اجباری JIT مجبور به انجام عملیات ردیابی خواهد شد؛ مگر اینکه گزینهی suppress jit optimization on module load را غیرفعال کرده باشید. موقعیکه در ویژوال استودیو دو حالت دیباگ و ریلیز را انتخاب میکنید، در واقع تنظیمات زیر را اجرا میکنید:

```
//debug
/optimize-
/debug:full
//==========
```

```
//Release
/optimize+
/debug:pdbonly
```

احتمالا موارد بالا به شما می گویند که یک سیستم مبتنی بر CLR مشکلات زیادی دارد که یکی از آنها، زمانبر بودن انجام عملیات فرآیند پردازش است و دیگری مصرف زیاد حافظه و عدم اشترک حافظه که در مورد کامپایل جیت به آن اشاره کردیم. ولی در بند بعدی قصد داریم نظرتان را عوض کنم.

اگر خیلی شک دارید که واقعا یک برنامهی CLR کارآیی یک برنامه را پایین میآورد، بهتر هست به بررسی کارآیی چند برنامه غیر
آزمایشی noTrial که حتی خود مایکروسافت آن برنامهها را ایجاد کرده است بپردازید و آنها را با یک برنامهی unmanaged
مقایسه کنید. قطعا باعث تعجب شما خواهد شد. این نکته دلایل زیادی دارد که در زیر تعدادی از آنها را بررسی میکنیم.
اینکه CLR در محیط اجرا قصد کمپایل دارد، باعث آشنایی کامپایلر با محیط اجرا میگردد. از این رو تصمیماتی را که میگیرد،
میتواند به کارآیی یک برنامه کمک کند. در صورتیکه یک برنامهی unmanaged که قبلا کمپایل شده و با محیطهای متفاوتی که روی
آنها اجرا میشود، هیچ آشنایی ندارد و نمیتواند از آن محیطها حداکثر بهرهوری لازم را به عمل آورد.
برای آشنایی با این ویژگیها توجه شما را به نکات ذیل جلب میکنم:

یک. IIT میتواند با نوع پردازنده آشنا شود که آیا این پردازنده از نسل پنتیوم 4 است یا نسل Core i. به همین علت میتواند از این مزیت استفاده کرده و دستورات اختصاصی آنها را به کار گیرد، تا برنامه با performance بالاتری اجرا گردد. در صورتی که unmanaged باید حتما دستورات را در پایینترین سطح ممکن و عمومی اجرا کند؛ در صورتیکه شاید یک دستور اختصاصی در یک سی یو خاص، در یک عملیات موجب 4 برابر، اجرای سریعتر شود.

دو. JIT میتواند بررسی هایی را که برابر false هستند، تشخیص دهد. برای فهم بهتر، کد زیر را در نظر بگیرید:

```
if (numberOfCPUs > 1) {
...
}
```

کد بالا در صورتیکه پردازنده تک هستهای باشد یک کد بلا استفاده است که جیت باید وقتی را برای کامپایل آن اختصاص دهد؛ در صورتیکه JIT باهوشتر از این حرفاست و در کدی که تولید میکند، این دستورات حذف خواهند شد و باعث کوچکتر شدن کد و اجرای سریعتر میگردد.

سه. مورد بعدی که هنوز پیاده سازی نشده، ولی احتمال اجرای آن در آینده است، این است که یک کد میتواند جهت تصحیح بعضی موارد چون مسائل مربوط به دیباگ کردن و مرتب سازیهای مجدد، عمل کامپایل را مجددا برای یک کد اعمال نماید. دلایل بالا تنها قسمت کوچکی است که به ما اثبات میکند که چرا CLR میتواند کارآیی بهتری را نسبت به زبانهای استامها به گوش میرسد. امروزی داشته باشد. همچنین قولهایی از سازندگان برای بهبود کیفیت هر چه بیشتر این سیستمها به گوش میرسد.

کارآیی بالاتر

اگر برنامهای توسط شما بررسی شد و دیدید که نتایج مورد نیاز در مورد performance را نشان نمیدهد، میتوانید از ابزار کمکی که مایکروسافت در بستههای فریمورک دات نت قرار داده است استفاده کنید. نام این ابزار Ngen.exe است و وظیفهی آن این است که وقتی برنامه بر روی یک سیستم برای اولین مرتبه اجرا میگردد، کد همهی اسمبلیها را تبدیل کرده و آنها روی دیسک ذخیره میکند. بدین ترتیب در دفعات بعدی اجرا، TIT بررسی میکند که آیا کد کامپایل شدهی اسمبلی از قبل موجود است یا خیر. در صورت وجود، عملیات کامپایل به کد بومی لغو شده و از کد ذخیره شده استفاده خواهد کرد.

نکتهای که باید در حین استفاده از این ابزار به آن دقت کنید این است که کد در محیطهای واقعی اجرا چندان بهینه نیست. بعدا در مورد این ابزار به تفصیل صحبت میکنیم.

system.runtime.profileoptimization

کلاس بالا سبب میشود که CLR در یک فایل ثبت کند که چه متدهایی در حین اجرای برنامه کمپایل شوند تا در آینده در حین آغاز اجرای برنامه کامپایل آل بتواند همزمان این متدها را در ترد دیگری کامپایل کند. اگر برنامهی شما روی یک پردازندهی چند هستهای اجرا میشود، در نتیجه اجرای سریعتری خواهید داشت. به این دلیل که چندین متد به طور همزمان در حال کمپایل شدن هستند و همزمان با آماده سازی برنامه برای اجرا اتفاق میافتد؛ به جای اینکه عمل کمپایل همزمان با تعامل کاربر با برنامه باشد.

آشنایی با CLR: قسمت هفتم

عنوان: على يگانه مقدم نویسنده:

1:۲۵ 1898/08/11

آدرس:

تاریخ:

گروهها:

www.dotnettips.info CLR, .NET Framework

کدهای IL و تایید آن ها

ساختار استكى

IL از ساختار استک استفاده میکند. به این معنی که تمامی دستور العملها داخل آن push شده و نتیجهی اجرای آنها pop میشوند. از آنجا که IL به طور مستقیم ارتباطی با ثباتها ندارد، ایجاد زبانهای برنامه نویسی جدید بر اساس CLR بسیار راحت تر هست و عمل کامیایل، تبدیل کردن به کدهای IL میباشد.

بدون نوع بودن(Typeless)

از دیگر مزیتهای آن این است که کدهای IL بدون نوع هستند. به این معنی که موقع افزودن دستورالعملی به داخل استک، دو عملگر وارد میشوند و هیچ جداسازی در رابطه با سیستمهای 32 یا 64 بیت صورت نمیگیرد و موقع اجرای برنامه است که تصمیم میگیرد از چه عملگرهایی باید استفاده شود.

Virtual Address Space

بزرگترین مزیت این سیستمها امنیت و مقاومت آن هاست. موقعی که تبدیل کد IL به سمت کد بومی صورت می گیرد، CLR فرآیندی را با نام verification یا تاییدیه، اجرا میکند. این فرآیند تمامی کدهای IL را بررسی میکند تا از امنیت کدها اطمینان کسب کند. برای مثال بررسی میکند که هر متدی صدا زده میشود با تعدادی پارامترهای صحیح صدا زده شود و به هر پارامتر آن نوع صحیحش پاس شود و مقدار بازگشتی هر متد به درستی استفاده شود. متادیتا شامل اطلاعات تمامی پیاده سازیها و متدها و نوع هاست که در انجام تاییدیه مورد استفاده قرار میگیرد.

در ویندوز هر پروسه، یک آدرس مجازی در حافظه دارد و این جدا سازی حافظه و ایجاد یک حافظه مجازی کاری لازم اجراست. شما نمیتوانید به کد یک برنامه اعتماد داشته باشید که از حد خود تخطی نخواهد کرد و فرآیند برنامهی دیگر را مختل نخواهد کرد. با خواندن و نوشتن در یک آدرس نامعتبر حافظه، ما این اطمینان را کسب میکنیم که هیچ گاه تخطی در حافظه صورت

قبلا به طور مفصل در این مورد ذخیره سازی در حافظه صحبت کرده ایم.

از آنجا که پروسههای ویندوزی به مقدار زیادی از منابع سیستم عامل نیاز دارند که باعث کاهش منابع و محدودیت در آن میشوند و نهایت کارآیی سیستم را پایین میآورد، ولی با کاهش تعدادی برنامههای در حال اجرا به یک پروسهی واحد میتوان کارآیی سیستم را بهبود بخشید و منابع کمتری مورد استفاده قرار می گیرند که این یکی دیگر از مزایای کدهای managed نسبت به unmanaged است. CLR در حقیقت این قابلیت را به شما میدهد تا چند برنامهی مدیریت شده را در قالب یک پروسه به اجرا در آورید. هر برنامهی مدیریت شده به طور پیش فرض بر روی یک appDomain اجرا می گردد و هر فایل EXE روی حافظهی مجازی مختص خودش اجرا میشود. هر چند پروسههایی از قبیل IIS و SQL Server که پروسههای CLR را پشتیبانی یا هاست میکنند میتوانند تصمیم بگیرند که آیا appDomainها را در یک پروسهی واحد اجرا کنند یا خیر که در مقالههای آتی آن را بررسی میکنیم.

كد ناامن يا غير ايمن UnSafe Code

به طور پیش فرض سی شارپ کدهای ایمنی را تولید میکند، ولی این اجازه را میدهد که اگر برنامه نویس بخواهد کدهای ناامن بزند، قادر به انجام آن باشد. این کدهای ناامن دسترسی مستقیم به خانههای حافظه و دستکاری بایت هاست. این مورد قابلیت قدرتمندی است که به توسعه دهنده اجازه میدهد که با کدهای مدیریت نشده ارتباط برقرار کند یا یک الگوریتم با اهمیت زمانی بالا را جهت بهبود کارآیی، اجرا کند.

هر چند یک کد ناامن سبب ریسک بزرگی میشود و میتواند وضعیت بسیاری از ساختارهای ذخیره شده در حافظه را به هم بزند و امنیت برنامه را تا حد زیادی کاهش دهد. به همین دلیل سی شارپ نیاز دارد تا تمامی متدهایی که شامل کد unsafe هستند را با کلمه کلیدی unsafe علامت گذاری کند. همچنین کمپایلر سی شارپ نیاز دارد تا شما این کدها را با سوئیچ unsafe/ کامپایل کنید. موقعیکه جیت تلاش دارد تا یک کد ناامن را کامپایل کند، اسمبلی را بررسی میکند که آیا این متد اجازه و تاییدیه آن را دارد یا خیر. آیا System.Security.Permissions.SecurityPermission با فلگ SkipVerification مقدار دهی شده است یا خیر. اگر پاسخ مثبت بود JIT آنها را کامپایل کرده و اجازهی اجرای آنها را میدهد. CLR به این کد اعتماد میکند و امیدوار است که آدرس دهی مستقیم و دستکاری بایتهای حافظه موجب آسیبی نگردد. ولی اگر پاسخ منفی بود، یک استثناء از نوع System.InvalidProgramException یا متد جلوگیری به عمل آید. در واقع کل برنامه خاتمه میابد ولی آسیبی به حافظه نمیزند.

پی نوشت: سیستم به اسمبلی هایی که از روی ماشین یا از طریق شبکه به اشتراک گذاشته میشوند اعتماد کامل میکند که این اعتماد شامل کدهای ناامن هم میشود ولی به طور پیش فرض به اسمبلی هایی از طریق اینترنت اجرا میشوند اجازه اجرای کدهای ناامن را نمیدهد و اگر شامل کدهای ناامن شود یکی از خطاهایی که در بالا به آن اشاره کردیم را صادر میکنند. در صورتی که مدیر یا کاربر سیستم اجازه اجرای آن را بدهد تمامی مسئولیتهای این اجرا بر گردن اوست.

در این زمینه مایکروسافت ابزار سودمندی را با نام <u>PEVerify</u> را معرفی کرده است که به بررسی تمامی متدهای یک اسمبلی پرداخته و در صورت وجود کد ناامن به شما اطلاع میدهد. بهتر است از این موضوع اطلاع داشته باشید که این ابزار نیاز دارد تا به متادیتاهای یک اسمبلی نیاز داشته باشید. باید این ابزار بتواند به تمامی ارجاعات آن دسترسی داشته باشد که در مورد عملیات بایندینگ در آینده بیشتر صحبت میکنیم.

IL و حقوق حق تالیف آن

بسیاری از توسعه دهندگان از اینکه IL هیچ شرایطی برای حفظ حق تالیف آنها ایجاد نکرده است، ناراحت هستند. چرا که ابزارهای زیادی هستند که با انجام عملیات مهندسی معکوس میتوانند به الگوریتم آنان دست پیدا کنند و میدانید که IL خیلی سطح پایین نیست و برگرداندن آن به شکل یک کد، کار راحتتری هست و بعضی ابزارها کدهای خوبی هم ارائه میکنند. از دست این ابزارها میتوان به ILDisassembler و JustDecompile اشاره کرد.

اگر علاقمند هستید این عیب را برطرف کنید، میتوانید از ابزارهای ثالث که به ابزارهای obfuscator (یک نمونه سورس باز) معروف هستند استفاده کنید تا با کمی پیچیدگی در متادیتاها، این مشکل را تا حدی برطرف کنند. ولی این ابزارها خیلی کامل نیستند، چرا که نباید به کامپایل کردن کار لطمه بزنند. پس اگر باز خیلی نگران این مورد هستید میتوانید الگوریتمهای حساس و اساسی خود را در قالب unmanaged code ارائه کنید که در بالا اشاراتی به آن کردهایم.

برنامههای تحت وب به دلیل عدم دسترسی دیگران از امنیت کاملتری برخوردار هستند.

آشنایی با CLR: قسمت هشتم

على يگانه مقدم نویسنده: 9:10 1894/08/19 تاریخ: آدرس:

عنوان:

www.dotnettips.info

CLR, .NET Framework گروهها:

در قسمت پنجم در مورد ابزار Ngen کمی صحبت کردیم و در این قسمت هم در مورد آن صحبت هایی خواهیم کرد. گفتیم که این ابزار در زمان نصب، اسمبلیها را کامپایل میکند تا در زمان اجرا JIT وقتی برای آن نگذارد. این کار دو مزیت به همراه دارد:

بهینه سازی زمان آغاز به کار برنامه

کاهش صفحات کاری برنامه: از آنجا که برنامه از قبل کامپایل شده، فراهم کردن صفحه بندی از ابتدای کار امر چندان دشواری نخواهد بود؛ لذا در این حالت صفحه بندی حافظه به صورت پویاتری انجام میگردد. شیوهی کار به این صورت است که اسمبلیها به چندین پروسهی کاری کوچکتر تبدیل شده تا صفحه بندی هر کدام جدا صورت گیرد و محدودهی صفحه بندی کوچکتر میشود. در نتیجه کمتر نقصی در صفحه بندی دیده شده یا کلا دیده نخواهد شد. نتیجهی کار هم در یک فایل ذخیره میگردد که این فایل میتواند نگاشت به حافظه شود تا این قسمت از حافظه به طور اشتراکی مورد استفاده قرار گیرد و بدین صورت نیست که هر پروسهای برای خودش قسمتی را گرفته باشد.

موقعی که اسمبلی، کد IL آن به کد بومی تبدیل میشود، یک اسمبلی جدید ایجاد شده که این فایل جدید در مسیر زیر قرار میگیرد:

%SystemRoot%\Assembly\NativeImages v4.0.##### 64

نام دایرکتوری اطلاعاتی شامل نسخه CLR و اطلاعاتی مثل اینکه برنامه بر اساس چه نسخهای 32 یا 64 بیت کامیایل شده است.

معايب

احتمالا شما پیش خود میگویید این مورد فوق العاده امکان جالبی هست. کدها از قبل تبدیل شدهاند و دیگر فرآیند جیت صورت نمی گیرد. در صورتیکه ما تمامی امکانات یک CLR مثل مدیریت استثناءها و GC و ... را داریم، ولی غیر از این یک مشکلاتی هم به کارمان اضافه میشود که در زیر به آنها اشاره میکنیم:

عدم محافظت از کد در برابر بیگانگان: بعضیها تصور میکنند که این کد را میتوانند روی ماشین شخصی خود کامپایل کرده و فایل ngen را همراه با آن ارسال کنند. در این صورت کد IL نخواهد بود ولی موضوع این هست اینکار غیر ممکن است و هنوز استفاده از اطلاعات متادیتاها پابرجاست به خصوص در مورد اطلاعات چون reflection و serialization . پس کد IL کماکان همراهش هست. نکتهی بعدی اینکه انتقال هم ممکن نیست؛ بنا به شرایطی که در مورد بعدی دلیل آن را متوجه خواهید شد.

از سینک با سیستم خارج میشوند: موقعیکه CLR، اسمبلیها را به داخل حافظه بار میکند، یک سری خصوصیات محیط فعلی را با زمانیکه عملیات تبدیل IL به کد ماشین صورت گرفته است، چک میکند. اگر این خصوصیات هیچ تطابقی نداشته باشند، عملیات JIT همانند سابق انجام می گردد. خصوصیات و ویژگیهایی که چک می شوند به شرح زیر هستند:

ورژن CLR: در صورت تغییر، حتی با یچها و سرویس یک ها.

نوع پردازنده: در صورت تغییر پردازنده یا ارتقا سخت افزاری.

نسخه سیستم عامل: ارتقاء با سرویس پک ها.

MVID یا Assemblies Identity module Version Id: در صورت کامیایل مجدد تغییر میکند.

Referenced Assembly's version ID: در صورت کامپایل مجدد اسمبلی ارجاع شده.

تغییر مجوزها: در صورتی که تغییری نسبت به اولین بار رخ دهد؛ مثلا در قسمت قبلی در مورد اجازه نامه اجرای کدهای ناامن صحبت کردیم. برای نمونه اگر در همین اجازه نامه تغییری رخ دهد، یا هر نوع اجازه نامه دیگری، برنامه مثل سابق (جیت) اجرا خواهد شد.

پی نوشت: در آپدیتهای دات نت فریم ورک به طور خودکار ابزار ngen صدا زده شده و اسمبلیها مجددا کمپایل و دخیره میشوند و برنامه سینک و آیدیت باقی خواهد ماند. کارایی پایین کد در زمان اجرا: استفاده از ngen از ابتدا قرار بود کارآیی را با حذف جیت بالا ببرد، ولی گاهی اوقات در بعضی شرایط ممکن نیست. کدهایی که ngen تولید میکند به اندازهی جیت بهینه نیستند. برای مثال ngen نمیتواند بسیاری از دستورات خاص پردازنده را جز در زمان runtime مشخص کند. همچنین فیلدهایی چون static را از آنجا که نیاز است آدرس واقعی آنها در زمان اجرا به دست بیاید، مجبور به تکنیک و ترفند میشود و موارد دیگری از این قبیل.

پس حتما نسخهی ngen شده و غیر ngen را بررسی کنید و کارآیی هر دو را با هم مقایسه کنید. برای بسیاری از برنامهها کاهش صفحه بندی یک مزیت و باعث بهبود کارآیی میشود. در نتیجه در این قسمت ngen برنده اعلام میشود.

توجه کنید برای سیستمهایی که در سمت سرور به فعالیت میپردازند، از آنجا که تنها اولین درخواست برای اولین کاربر کمی زمان میبرد و برای باقی کاربران درخواست با سرعت بالاتری اجرا میگردد و اینکه برای بیشتر برنامههای تحت سرور از آنجا که تنها یک نسخه در حال اجراست، هیچ مزیت صفحه بندی را ngen ایجاد نمیکند.

برای بسیاری از برنامههای کلاینت که تجربهی startup طولانی دارند، مایکروسافت ابزاری را به نام Managed Profile Guided طولانی دارند، مایکروسافت ابزاری را به نام exe در زمان آغازین برنامه و Optimization Tool دارد. این ابزار به تحلیل اجرای برنامه شما پرداخته و بررسی می کند که در زمان آغازین برنامه چه چیزهایی نیاز است. اطلاعات به دست آمده از تحلیل به سمت ngen فرستاده شده تا کد بومی بهینهتری تولید گردد. موقعیکه شما آماده ارائه برنامه خود هستید، برنامه را از طریق این تحلیل و اجرا کرده و با قسمتهای اساسی برنامه کار کنید. با این کار اطلاعاتی در مورد اجرای برنامه در داخل یک پروفایل هستون embed شده در اسمبلی، قرار گرفته و ngen موقع تولید کد، این پروفایل را جهت تولید کد بهینه مطالعه خواهد کرد.

در مقالهی بعدی در مورد FCL صحبتهایی خواهیم کرد.

آشنایی با CLR: قسمت نهم

على يگانه مقدم

۱:۳۵ ۱۳۹۴/۰۳/۳۰

تاریخ: آدرس: گروهها:

نویسنده:

عنوان:

www.dotnettips.info
CLR, .NET Framework

net framework PCL سامل Framework Class Library یا به اختصار FCL است. FCL مجموعهای از d11 اسمبلیهایی است که صدها و هزاران نوع در آن تعریف شدهاند و هر نوع تعدادی کار انجام میدهد. همچنین مایکروسافت کتابخانههای اضافه تری را چون azure و Directx نیز ارائه کرده است که باز هر کدام شامل نوعهای زیادی میشوند. این کتابخانه به طور شگفت آوری باعث سرعت و راحتی توسعه دهندگان در زمینه فناوریهای مایکروسافت گشته است.

تعدادی از فناوریهایی که توسط این کتابخانه یشتیبانی میشوند در زیر آمده است:

Web Service : این فناوری اجازه ی ارسال و دریافت پیامهای تحت شبکه را به خصوص بر روی اینترنت، فراهم میکند و باعث ارتباط جامعتر بین برنامهها و فناوریهای مختلف میگردد. در انواع جدیدتر Web Api و Web Api نیز به بازار ارائه شدهاند.

webform و MVC : فناوریهای تحت وب که باعث سهولت در ساخت وب سایتها میشوند که وب فرم رفته رفته به سمت منسوخ شدن پیش میرود و در صورتی که قصد دارید طراحی وب را آغاز کنید توصیه میکنم از همان اول به سمت MVC بروید.

Rich Windows GUI Application : برای سهولت در ایجاد برنامههای تحت وب حالا چه با فناوری قدیمی و البته منسوخ شده Windows Form .

Windows Console Application : برای ایجاد برنامههای ساده و بدون رابط گرافیکی.

Windows Services : شما میتوانید یک یا چند سرویس تحت ویندوز را که توسط Service Control Manager یا به اختصار SCM کنترل میشوند، تولید کنید.

Database stored Procedure : نوشتن stored procedure بر روی دیتابیسهایی چون sql server و اوراکل و ... توسط فریم ورک دات نت مهیاست.

Component Libraray : ساخت اسمبلىهاى واحدى كه مىتوانند با انواع مختلفى از موارد بالا ارتباط برقرار كنند.

<u>Portable Class Libary</u> : این نوع پروژهها شما را قادر میسازد تا کلاسهایی با قابلیت انتقال پذیری برای استفاده در سیلور لایت، ویندوز فون و ایکس باکس و فروشگاه ویندوز و ... تولید کنید.

از آنجا که یک کتابخانه شامل زیادی نوع می گردد سعی شده است گروه بندیهای مختلفی از آن در قالبی به اسم فضای نام namespace تقسیم بندی گردند که شما آشنایی با آنها دارید. به همین جهت فقط تصویر زیر را که نمایشی از فضای نامهای اساسی و مشترک و پرکاربرد هستند، قرار می دهم.

Namespace	Description of Contents	
System	All of the basic types used by every application	
System.Data	Types for communicating with a database and processing data	
System.IO	Types for doing stream I/O and walking directories and files	
System.Net	Types that allow for low-level network communications and working with some common Internet protocols	
System.Runtime. InteropServices	Types that allow managed code to access unmanaged operating system plat- form facilities such as COM components and functions in Win32 or custom DLLs	
System.Security	Types used for protecting data and resources	
System.Text	Types to work with text in different encodings, such as ASCII and Unicode	
System.Threading	Types used for asynchronous operations and synchronizing access to resources	
System.Xml	Types used for processing Extensible Markup Language (XML) schemas and data	

در CLR مفهومی به نام Common Type System یا CTS وجود دارد که توضیح میدهد نوعها باید چگونه تعریف شوند و چگونه باید رفتار کنند که این قوانین از آنجایی که در ریشهی CLR نهفته است، بین تمامی زبانهای دات نت مشترک میباشد. تعدادی از مشخصات این CTS در زیر آورده شده است ولی در آینده بررسی بیشتری روی آنان خواهیم داشت:

> فیلد متد پراپرت*ی* رویدادها

CTS همچنین شامل قوانین زیادی در مورد وضعیت کپسوله سازی برای اعضای یک نوع دارد:

private

public

Family یا در زبانهایی مثل سی ++ و سی شارپ با نام protected شناخته میشود.

family and assembly: این هم مثل بالایی است ولی کلاس مشتق شده باید در همان اسمبلی باشد. در زبانهایی چون سی شارپ و ویژوال بیسیک، چنین امکانی پیاده سازی نشدهاست و دسترسی به آن ممکن نیست ولی در IL Assembly چنین قابلیتی وجود دارد.

Assembly یا در بعضی زبانها به نام internal شناخته میشود.

Family Or Assembly: که در سی شارپ با نوع Protected internal شناخته میشود. در این وضعیت هر عضوی در هر اسمبلی قابل ارث بری است و یک عضو فقط میتواند در همان اسمبلی مورد استفاده قرار بگیرد.

موارد دیگری که تحت قوانین CTS هستند مفاهیم ارث بری، متدهای مجازی، عمر اشیاء و .. است.

یکی دیگر از ویژگیهای CTS این است که همهی نوعها از نوع شیء Object که در فضای نام system قرار دارد ارث بری کردهاند. به همین دلیل همهی نوعها حداقل قابلیتهایی را که یک نوع object ارئه میدهد، دارند که به شرح زیر هستند:

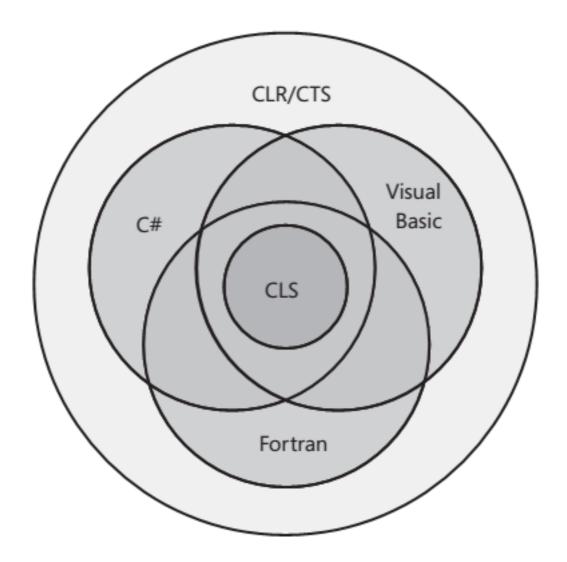
> مقایسهی دو شیء از لحاظ برابری. به دست آوردن هش کد برای هر نمونه از یک شیء ارائهای از وضعیت شیء به صورت رشته ای دریافت نوع شیء جاری

CLS

وجود COMها به دلیل ایجاد اشیاء در یک زبان متفاوت بود تا با زبان دیگر ارتباط برقرار کنند. در طرف دیگر CLR هم بین زبانهای برنامه نویسی علل زیادی دارند. اول اینکه رسیدن به هدف یا یک الگوریتم خاص در زبان دیگر راحتتر از زبان پایه پروژه است. دوم در یک کار تیمی که افراد مختلف با دانش متفاوتی حضور دارند و ممکن است زیان هر یک متفاوت باشند.

برای ایجاد این یکپارچگی، مایکروسافت سیستم CLS یا Common Language Specification را راه اندازی کرد. این سیستم برای تولیدکنندگان کامیایلرها جزئیاتی را تعریف میکند که کامیایلر آنها را باید با حداقل ویژگیهای تعریف شده ی CLR، پشتیبانی کند.

CLR/CTS مجموعهای از ویژگیها را شامل میشود و گفتیم که هر زبانی بسیاری از این ویژگیها را پشتیبانی میکند ولی نه کامل. به عنوان مثال برنامه نویسی که قصد کرده از IL Assembly استفاده کند، قادر است از تمامی این ویژگیهایی که CLR/CTS ارائه میدهند، استفاده کند ولی تعدادی دیگر از زبانها مثل سی شارپ و فورترن و ویژوال بیسیک تنها بخشی از آن را استفاده میکنند و CLS حداقل ویژگی که بین همه این زبانها مشترک است را ارائه میکند.
شکل زیر را نگاه کنید:



یعنی اگر شما دارید نوع جدیدی را در یک زبان ایجاد میکنید که قصد دارید در یک زبان دیگر استفاده شود، نباید از امتیازات ویژهای که آن زبان در اختیار شما میگذارد و به بیان بهتر CLS آنها را پشتیبانی نمیکند، استفاده کنید؛ چرا که کد شما ممکن است

در زبان دیگر مورد استفاده قرار نگیرد.

به کد زیر دقت کنید. تعدادی از کدها سازگاری کامل با CLS دارند که به آنها CLS Compliant گویند و تعدادی از آنها -cno-CLS گویند و تعدادی از آنها -cls Compliant هستند یعنی با CLS سازگاری ندارند ولی استفاده از خاصیت [assembly: CLSCompliant(true)] باعث می شود که تا کامپایلر از پشتیبانی و سازگاری این کدها اطمینان کسب کند و در صورت وجود، از اجرای آن جلوگیری کند. با کمپایل کد زیر دو اخطار به ما میرسد.

```
using System;

// Tell compiler to check for CLS compliance
[assembly: CLSCompliant(true)]

namespace SomeLibrary {

// Warnings appear because the class is public
public sealed class SomeLibraryType {

// Warning: Return type of 'SomeLibrary.SomeLibraryType.Abc()'
// is not CLS-compliant
public UInt32 Abc() { return 0; }

// Warning: Identifier 'SomeLibrary.SomeLibraryType.abc()'
// differing only in case is not CLS-compliant
public void abc() { }

// No warning: this method is private
private UInt32 ABC() { return 0; }
}
```

اولین اخطار اینکه یکی از متدها یک عدد صحیح بدون علامت unsigned integer را بر میگرداند که همهی زبانها آن را پشتیبانی نمیکنند و خاص بعضی از زبان هاست.

دومین اخطار اینکه دو متد یکسان وجود دارند که در حروف بزرگ و کوچک تفاوت دارند. ولی زبان هایی چون ویژوال بیسیک نمیتوانند تفاوتی بین دو متد abc بیابند.

نکتهی جالب اینکه اگر شما کلمه public را از جلوی نام کلاس بردارید تمامی این اخطارها لغو میشود. به این خاطر که اینها اشیای داخلی آن اسمبلی شناخته شده و قرار نیست از بیرون به آن دسترسی صورت بگیرد. عضو خصوصی کد بالا را ببینید؛ کامنت بالای آن میگوید که چون خصوصی است هشداری نمیگیرد، چون قرار نیست در زبان مقصد از آن به طور مستقیم استفاده کند

برای دیدن قوانین CLS به این صفحه مراجعه فرمایید.

سازگاری با کدهای مدیریت نشده

در بالا در مورد یکپارچگی و سازگاری کدهای مدیریت شده توسط CLS صحبت کردیم ولی در مورد ارتباط با کدهای مدیریت نشده چطور؟

مایکروسافت موقعیکه CLR را ارئه کرد، متوجه این قضیه بود که بسیاری از شرکتها توانایی اینکه کدهای خودشون را مجددا طراحی و پیاده سازی کنند، ندارند و خوب، سورسهای مدیریت نشدهی زیادی هم موجود هست که توسعه دهندگان علاقه زیادی به استفاده از آنها دارند. در نتیجه مایکروسافت طرحی را ریخت که CLR هر دو قسمت کدهای مدیریت شده و نشده را پشتیبانی کند. دو نمونه از این پشتیبانی را در زیر بیان میکنیم:

یک. کدهای مدیریت شده میتوانند توابع مدیریت شده را در قالب یک dll صدا زده و از آنها استفاده کنند.

دو. کدهای مدیریت شده میتوانند از کامپوننتهای COM استفاده کنند: بسیاری از شرکتها از قبل بسیاری از کامپوننتهای COM را ایجاد کرده بودند که کدهای مدیریت شده با راحتی با آنها ارتباط برقرار میکنند. ولی اگر دوست دارید روی آنها کنترل بیشتری داشته باشید و آن کدها را به معادل CLR تبدیل کنید؛ میتوانید از ابزار کمکی که مایکروسافت همراه فریم ورک دات نت ارائه کرده است استفاده کنید. نام این ابزار TLBIMP.exe میباشد که از Type Library Importer گرفته شده است.

سه. اگر کدهای مدیریت نشدهی زیادتری دارید شاید راحت تر باشد که برعکس کار کنید و کدهای مدیریت شده را در در یک برنامهی مدیریت نشده اجرا کنید. این کدها می توانند برای مثال به یک Activex یا shell Extension تبدیل شده و مورد استفاده قرار گیرند. ابزارهای exe قرار گیرند. ابزارهای TLBEXP و RegAsm .exe برای این منظور به همراه فریم ورک دات نت عرضه شده اند.

سورس کد Type Library Importer را میتوانید در <u>کدپلکس</u> بیابید.

در ویندوز 8 به بعد مایکروسافت API جدید را تحت عنوان <u>WinsowsRuntime</u> یا winRT ارائه کرده است . این api یک سیستم داخلی را از طریق کامپوننتها api هایشان را از طریق میکنند. متادیتاهایی بر اساس استاندارد ECMA که توسط تیم دات نت طراحی شده است معرفی میکنند.

زیبایی این روش اینست که کد نوشته شده در زبانهای دات نت میتواند به طور مداوم با winrt ارتباط برقرار کند. یعنی همهی کارها توسط CLR انجام میگیرد بدون اینکه لازم باشد از ابزار اضافی استفاده کنید. در آینده در مورد winRT بیشتر صحبت میکنیم.

سخن پایانی: ممنون از دوستان عزیز بابت پیگیری مطالب تا بدینجا. تا این قسمت فصل اول کتاب با عنوان اصول اولیه CLR بخش اول مدل اجرای CLR به یایان رسید.

ادامهی مطالب بعد از تکمیل هر بخش در دسترس دوستان قرار خواهد گرفت.